

ارائه مدل اجرایی آموزش و یادگیری زبان انگلیسی در نظام آموزشی ایران

هدی سادات محسنی^۱، زهرا پاکباز^۲، پروین صمدی^۳

چکیده

تحقیق حاضر، یک پژوهش کاربردی است که با هدف طراحی مدل اجرایی آموزش و یادگیری زبان انگلیسی در نظام آموزشی ایران انجام شد. رویکرد پژوهش از نوع کیفی و راهبرد آن مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد است. روش گردآوری داده‌ها در این پژوهش مصاحبه نیمه‌ساختارمند با ۲۷ نفر از متخصصان آموزش زبان انگلیسی در سه گروه اساتید دانشگاه، معلمان مدرسه و مدرسان آموزشگاه‌های خصوصی زبان انگلیسی با معیار اثبات نظری بود. داده‌های حاصل از مصاحبه، با روش کدگذاری سه مرحله‌ای (باز، محوری و انتخابی) اشتراوس و کوربین (۱۹۹۲) انجام شد. برای بررسی پایایی پژوهش نیز از روش هولستی بهره گرفته شد. بر این اساس ضریب پایایی معادل ۰/۸۳ به دست آمد که بیانگر آن است که پژوهش از قابلیت اعتماد مطلوب و بالایی برخوردار است. نتایج یافته‌های پژوهش در قالب ۱۵۸ کد بازشناسایی شده و این کدها در قالب عوامل علی (عوامل فردی، پداگوژیک، زیست‌بوم)؛ عوامل زمینه‌ای (شرایط خانوادگی، راهبردهای کلان نظام آموزشی، گروه همسالان و همکاران، الزامات پیشبرد اهداف علمی و شغلی)؛ عوامل مداخله‌گر (شرایط حاکم بر جامعه، منابع و امکانات، علاقمندی و درک ضرورت زبان انگلیسی از طرف متولیان آموزشی و فرهنگی، رویکرد عمومی به زبان‌های خارجی)؛ پدیده‌ی محوری (فرآیند یاددهی- یادگیری زبان انگلیسی)؛ راهبردها (رویکرد ملی و فراملی به آموزش، بهبود زیرساخت‌ها، ایجاد بینش جدید نسبت به زبان‌های خارجی)؛ پیامدها (تحقق دستاوردهای مورد انتظار از نظام آموزشی، منابع انسانی با انگیزه و کارآمد، هر زبان جدید، آشنایی با یک دنیای جدید) توصیف و تشریح شدند.

واژه‌های کلیدی: آموزش زبان انگلیسی، یادگیری زبان انگلیسی، پژوهش کیفی، نظریه داده‌بنیاد.

-
۱. استادیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهراء (س) (نویسنده مسئول) sadatmohseni@alzahra.ac.ir
 ۲. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شیراز z.pak313@yahoo.com
 ۳. دانشیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهراء (س) Psamadi@alzahra.ac.ir
- تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۸/۲۶ تاریخ دریافت مقاله نهایی: ۱۴۰۱/۴/۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۱۳

مقدمه

با افزایش علاقه و احساس نیاز روزافزون افراد با زبان‌های مختلف برای یادگیری زبان انگلیسی، اهمیت آموزش این زبان به طور چشمگیری در سراسر جهان و به‌ویژه در کشورهای آسیایی گسترش یافته است؛ در حقیقت با افزایش تقاضا برای یادگیری زبان انگلیسی، بیشتر دولت‌ها این امر را به رسمیت شناخته‌اند و با سرمایه‌گذاری مناسب تلاش می‌کنند تا برنامه‌های آموزش عمومی و اختصاصی خود را برای یادگیری زبان انگلیسی به‌عنوان مهمترین زبان در فعالیتهای اقتصادی، علمی و تکنولوژیکی تقویت نمایند (Jeon, 2019). در کشور ایران نیز آموزش زبان انگلیسی به شکل رسمی از زمان تأسیس دارالفنون آغاز شد که در ابتدا، زبان فرانسه به‌عنوان یک زبان خارجی تدریس می‌شد؛ اما با گذشت زمان و آشنا شدن ایرانیان با فرهنگ آمریکا و بریتانیا، آموزش زبان انگلیسی جایگزین آن گردید (فرهادی، سجادی، هزاوه و هدایتی، ۲۰۱۰). به‌طور کلی، ایران یکی از نخستین کشورهای منطقه غرب آسیا است که آموزش زبان انگلیسی را به‌عنوان یکی از مواد درسی الزامی، در برنامه آموزش رسمی خود پذیرفته است، پیشینه‌ی آموزش رسمی زبان انگلیسی در مدارس ایران به سال ۱۳۱۸-۱۳۱۷ باز می‌گردد که در آن سال و با حمایت وزارت فرهنگ آن زمان، مجموعه‌ی شش جلدی کتاب‌های زبان انگلیسی برای تدریس در مقطع شش ساله‌ی دبیرستان را گروهی از مؤلفان ایرانی و غیرایرانی تدوین و منتشر کردند و از آن‌زمان تاکنون، آموزش زبان انگلیسی در مدارس کشور، به مثابه‌ی یکی از دروس اصلی نظام آموزشی کشور، بدون وقفه‌ی محسوس و طولانی مدت، در جریان بوده است (خیرآبادی و علوی مقدم، ۲۰۱۹). و در حال حاضر نیز آموزش رسمی زبان انگلیسی در کشور ایران، از مدرسه (پایه هفتم دوره متوسطه) شروع می‌شود و تا سطوح عالی دانشگاهی ادامه می‌یابد (سودمند افشار، رنجبر، یوسفی و افشار، ۲۰۱۸). همچنین درکنار نظام رسمی آموزش کشور، مؤسسات آموزشی خصوصی نیز در برنامه‌ی آموزش زبان انگلیسی به اشکال مختلف نقش آفرینی می‌کنند؛ اولین مؤسسه آموزش زبان انگلیسی در کشور ایران در سال ۱۳۲۹ (۱۹۵۰ میلادی) توسط محسن شکوه در تهران افتتاح گردید که با این حساب قدمت مؤسسات خصوصی آموزش زبان انگلیسی در ایران به ۷۰ سال می‌رسد (برجیان، ۲۰۱۳). اما علی‌رغم این پیشینه زمانی قابل توجه در آموزش زبان انگلیسی در نظام آموزشی کشور و هزینه‌های هنگفتی که همه‌ساله در فرآیند آموزش این زبان منظور می‌شود، بازده کسب شده به شکل محسوسی از هزینه‌های صرف شده پایین‌تر است. فارغ‌التحصیلان مراکز آموزشی بنیه بسیار ضعیفی در درس زبان انگلیسی دارند و در هیچ‌کدام از حوزه‌های اصلی زبان (خواندن، نوشتن، گوش دادن و سخن گفتن) قادر به برقراری ارتباط نیستند؛ این در حالی است که به دلیل انگلیسی بودن زبان علم، فن‌آوری، تجارت و جهان‌گردی، انگلیسی تبدیل به زبان مشترک جهانی شده که یادگیری و تسلط بر آن تبدیل به ضرورتی انکارناپذیر برای همه و به‌ویژه قشر تحصیل‌کرده شده است تا بتوانند نیازها و اهداف شخصی و

شغلی خود را محقق سازند (احمدی، رنجدوست و عظیمی، ۲۰۲۰). حقیقت این است که امروزه دانستن زبان انگلیسی به عنوان زبان مشترک، یک ضرورت به شمار می آید، زیرا در این صورت می توان در تجربیات مردم دنیا سهیم شد و دانش خود را به روز نگه داشت. گسترده تر شدن ارتباطات بین کشورهای مختلف جهان از یک طرف و پیشرفت وسایل ارتباط جمعی و ظهور مفهوم دهکده جهانی از طرف دیگر، نیاز به زبانی مشترک برای برقراری ارتباط را بیش از پیش ضروری می سازد. بنابراین، با توجه به اینکه تعامل با جهان از طریق گلوگاه این زبان مشترک امکان پذیر است، یادگیری زبان انگلیسی از اولویت ویژه ای بین مردم دنیا برخوردار است و دانستن آن یک ضرورت به حساب می آید و این ضرورت بیش از همه متوجه مراکز آموزشی کشور است (مقصودی، ۲۰۲۱)؛ اما مطالعات مختلف نشان می دهند که بیشتر دانش آموزان کشور پس از گذراندن ساعت های متمادی در کلاس درس زبان انگلیسی مدرسه، قادر به استفاده صحیح و کاربردی از زبان و برقراری ارتباطی ساده به زبان انگلیسی نیستند و انگیزه آن ها در حد قبولی در آزمون های مدرسه و موفقیت در کنکور است (طاهرخانی، افضل، مالمیر، مسلسل و منتظری، ۲۰۱۷). در دانشگاه های کشور نیز مانند مدارس، وضعیت زبان انگلیسی دانشجویان در وضعیت نامطلوبی قرار دارد. علی رغم آگاهی از این موضوع که زبان انگلیسی، زبان مسلط در حوزه های مختلف علمی است، اغلب دانشجویان در رشته های مختلف تحصیلی، درگیری بی نتیجه ای با مسئله آموزش زبان انگلیسی دارند. هر چند از سال های قبل از ورود به دانشگاه، آموزش زبان انگلیسی به طور رسمی آغاز می شود اما به نظر می رسد دانش آموزان و دانشجویان در یادگیری و به کارگیری آن با مشکلاتی مواجه هستند (سلیمانی، علی - اصغری و حسینی خواه، ۲۰۱۹). اصولاً بین آنچه هست و آنچه باید باشد فاصله بسیار است، با نگاهی به وضعیت زبان انگلیسی دانشجویان در می یابیم که تقریباً به جز برخی از دانشجویان که در مؤسسات خصوصی زبان آموزش دیده اند، بقیه از نظر دانش زبانی در حد مطلوبی نیستند و این حاکی از آن است که آموزش دوره های مدرسه و دانشگاه مؤثر نیست (کلانتری و غلامی، ۲۰۱۳) و بیشترین میزان یادگیری زبان انگلیسی ایرانیان، در آموزشگاه های خصوصی و یا از طریق خودآموزی اتفاق می افتد (قربانی، ۲۰۱۹). ضعف در نظام آموزش زبان انگلیسی را شاید بتوان به ماهیت خاص این زبان نسبت داد که در برنامه ریزی ها، تعارض دوگانه ای را در پیش روی متولیان آموزش کشور قرار می دهد. از یک طرف این موضوع که زبان انگلیسی به عنوان مهم ترین زبان ارتباطی در راستای جهانی شدن، نقش ویژه ای در عرصه های مختلف علوم، فناوری، تجارت، سیاست، ارتباط فرهنگی و جهانگردی دارد، بر کسی پوشیده نیست؛ لذا توجه به زمینه های لازم برای فراگیری زبان انگلیسی، به عنوان یک زبان بین المللی و تأثیرگذار بر قدرت رقابتی کشورها و شکوفایی فرصت های رشد و پیشرفت جوامع در زمینه های مختلف، امری غیرقابل اجتناب است (Tulung, 2020) و از طرف دیگر، در کشور ایران به عنوان یکی از ضد امپریالیستی ترین کشورهای جهان، زبان انگلیسی به عنوان زبان

دشمنانی چون ایالات متحده و بریتانیای کبیر تلقی می‌شود (قربانی، ۲۰۱۹)؛ این تعارض تا حدی آموزش زبان انگلیسی در نظام آموزشی کشور را تحت تأثیر قرار داده است. اما فارغ از نوع نگرش‌ها و جهت‌گیری‌های فکری، این باور مشترک در بین صاحب‌نظران وجود دارد که در عصر حاضر، زبان انگلیسی به دلیل یافتن جایگاه، کارکرد و تأثیرگذاری‌های خاص خود، نیازمند آن است تا در هر جامعه‌ای متناسب با شرایط سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و آموزشی خود مورد توجه قرار گیرد، به نحوی که در قالب سیاست یا برنامه‌ای مدون و کارآمد با آن مواجهه صورت گیرد (آقاگلزاده و داوری، ۲۰۱۴).

بنابر مطالب ذکر شده این حقیقت مشخص می‌شود که آموزش زبان انگلیسی در کشور ما با چالش‌ها و مشکلات خاصی روبرو است و هرچند در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) بر ارائه آموزش زبان خارجی در چارچوب بخش انتخابی (نیمه تجویزی) برنامه درسی تأکید شده؛ اما تا به حال برنامه مدون یا سیاست مشخص و روشنی درباره آموزش زبان انگلیسی در نظر گرفته نشده است (کلانتری و غلامی، ۲۰۱۳). نکته مهم و حائز اهمیت این است که درس زبان انگلیسی شبیه دروسی مثل علوم یا ریاضی نیست که بتوان به راحتی برای آن برنامه‌ریزی کرد و با نگاهی منحصراً امتحان‌محور و کنکوری به آن نگریست؛ بلکه بدون تردید زیربنای آموزش زبان انگلیسی در سراسر جهان به عنوان زبان بین‌المللی، توجه به روند جهانی‌سازی و ارتباط گسترده افراد جهان با یکدیگر است که ایجاب می‌کند افراد بتوانند به راحتی از دستاوردهای یکدیگر در عرصه‌های مختلف و مناطق جغرافیایی متفاوت بهره‌مند گردند. ما در جهانی زندگی می‌کنیم که انگلیسی زبان بسیاری از مجلات علمی، کنفرانس‌های بین‌المللی، زبان رسمی سازمان ملل متحد و زبان بیش از دو سوم سایت‌های اینترنتی است و با تمام این‌ها مطالعات نشان می‌دهند که ایرانیان در این زمینه با مشکل مواجه هستند؛ به طور مثال در آزمون تافل به عنوان یکی از معتبرترین آزمون‌های مهارت زبان انگلیسی که از سال ۱۹۷۶ هر ساله توسط سازمان ETS در آمریکا برگزار می‌گردد (رحیمی و نبی‌لو، ۲۰۰۸)، داوطلبین ایرانی در بین کشورهای خاورمیانه وضعیت نسبتاً ضعیفی دارند و میانگین نمره آن‌ها از کشورهایمانند لبنان، بحرین و مصر پایین‌تر است (سایت رسمی تافل، ۲۰۲۱).

مطالعات مختلف هر کدام از زاویه‌ای به علت ضعف نظام آموزشی کشور در آموزش زبان انگلیسی نگرسته‌اند و مواردی مانند بی‌انگیزه بودن دانش‌آموزان و دانشجویان، عدم توانمندی مدرسان در استفاده از روش‌های نوین آموزشی، عدم تمرکز بر مهارت‌های شفاهی در کلاس‌ها، شلوغ بودن کلاس‌های درس، تأکید بر گرامر و عدم توجه کافی به رویکرد ارتباطی، به کار نبردن زبان انگلیسی در زندگی روزمره، مطابقت نداشتن مطالب درسی با مباحث مورد علاقه و کاربردی زبان‌آموزان، تأثیر پژوهی آزمون‌های نهایی و سراسری مثل کنکور بر عملکرد مدرسان و زبان‌آموزان که منجر به نمره محوری درس زبان انگلیسی شده است، متمرکز بودن نظام آموزشی و محدودیت

معلمان در انتخاب محتوای آموزشی و استفاده محدود از فناوری‌های نوین آموزشی را از علت‌های ضعف نظام آموزشی کشور در زمینه آموزش زبان انگلیسی برشمرده‌اند (خضری، مرزوقی، جهانی و رزمجو، ۲۰۱۹). خیرآبادی و علوی‌مقدم (۲۰۱۹) با در نظر گرفتن این موضوع که مشخص کردن کاستی‌های فراوری آموزش زبان انگلیسی در نظام متمرکز آموزش کشوری با بیش از چهارده میلیون دانش‌آموز و نزدیک به چهار میلیون دانشجو در مقاطع مختلف تحصیلی از کاردانی تا دکتری تخصصی در دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی، از اهمیت زیادی برخوردار است به کمک فراتحلیل پژوهش‌های انجام گرفته در یک دهه اخیر در رابطه با آموزش زبان انگلیسی در نظام آموزشی رسمی ایران، چالش‌ها و مشکلات آموزش زبان انگلیسی در نظام آموزشی کشور را احصاء و اولویت‌بندی نموده و سپس طی مصاحبه با متخصصان و خبرگان، راهکارهایی را برای مواجهه هدفمند با کاستی‌ها و ایرادات پیشنهاد کردند؛ بر همین اساس مشکلات آموزش زبان انگلیسی در نظام آموزشی ایران را رویکرد سنتی به آموزش زبان، ناکارآمدی کتاب‌های درسی و مواد آموزشی، کاستی‌های دوره‌های تربیت معلم و کمبود دبیران زبده و با انگیزه، فقدان سیاست‌گذاری کلان و عدم تعیین چشم‌انداز آموزشی، کمبود زمان تدریس درس زبان انگلیسی در نظام آموزش رسمی برشمردند و راهکارهایی هم‌راستا با اسناد کلان و بالادستی حوزه فرهنگ و آموزش کشور، به ویژه برنامه درسی ملی ارائه نمودند. بهروزی، آموزگار و علی‌پور (۲۰۱۴)، در پژوهشی، هشت آسیب مهم نظام آموزشی ایران در آموزش زبان انگلیسی را شناسایی کردند و نشان دادند که دو دسته عوامل آموزشی و عوامل برنامه درسی به این شرح: ۱- عوامل آموزشی مانند: استفاده از الگوها و روش‌های تدریس نامناسب، عدم وجود امکانات و تسهیلات لازم و رویکردهای ارزشیابی غیرمعتقول برنامه آموزش زبان انگلیسی و ۲- عوامل برنامه درسی مانند: نبود پیش‌زمینه فرهنگی و استفاده از متون و محتوای نامأنوس، از مهم‌ترین آسیب‌های برنامه آموزش زبان انگلیسی در مدارس متوسطه هستند. در این پژوهش تأکید شده است که در تمام دنیا هدف آموزش زبان‌های خارجی برقراری ارتباط است و بر همین اساس هدف از یادگیری زبان انگلیسی باید افزایش مهارت مکالمه باشد؛ اما این مساله در آموزش و پرورش ایران نادیده گرفته می‌شود. به طور کلی به نظر می‌رسد که زبان انگلیسی در نظام آموزشی کشور ایران، یک مهارت پایه تلقی نمی‌شود و نگاه برنامه‌ریزان آموزشی به گونه‌ای است که آن را یک مقوله غیرفعال ارزیابی می‌کنند و این زبان به عنوان یک زبان بیگانه، نقش پر رنگی در سیستم آموزشی فعلی ما ندارد. به‌زعم (احمدی صفا، غنچه‌پور، ملک‌محمدی، سیف و ذکرتی، ۲۰۱۷). یکی از مشکلات عمده در نظام آموزشی کشور ایران در رابطه با آموزش زبان انگلیسی، هم در سطح مدرسه و هم در سطح دانشگاه، فقدان سیاست‌گذاری کلان و مناسب است و فقدان این نوع سیاست‌گذاری، موجب تشتت و سوگیری و همچنین اعمال سلیقه فردی در برنامه‌ریزی برای آموزش زبان انگلیسی در مدارس و دانشگاه‌های کشور شده است.

در هیچ کشوری نظام آموزشی نمی‌تواند از سطح معلمان بالاتر برود (حسینی فرهنگی، ۲۰۰۶)؛ بنابراین یکی از مهمترین عوامل کیفیت‌بخشی مراکز آموزشی، تعالی کیفیت مدرسان آن جامعه در انتخاب شیوه تدریس مناسب و استفاده از روش‌ها و منابع نوین آموزشی است که مستلزم انگیزه بالا و توانمندی علمی معلمان است (قنبری و سلطانزاده، ۲۰۱۸؛ Manakil, George, ۲۰۱۷)، تا بتوانند به‌عنوان اصلی‌ترین ستون آموزش، نقش بی‌بدیل خود در فرآیند یادگیری و اشتیاق به تحصیل علم و دانش در بین دانش‌آموزان را محقق سازند (Dornyei, Ushioda, ۲۰۱۳). یوسفی، عبادی و احمدنژاد (۲۰۱۶) در پژوهش خود نشان دادند که نارضایتی شغلی و به تبع آن بی‌انگیزگی معلمان، معضل بزرگ نظام آموزشی کشور در رابطه با آموزش زبان انگلیسی است. نتایج این پژوهش نشان داد که میزان بالای تمایل به تغییر شغل (۷۴/۱۹ درصد)، ترک حرفه (۵۸ درصد) و بازنشستگی زودهنگام (۷۲/۵۸ درصد) حاکی از نارضایتی شغلی دیران است و بر این اساس، نتایج این پژوهش نشان داد که اکثریت معلمان زبان انگلیسی ایران بدون شناخت، علاقه و انگیزه کافی و از سرناچاری وارد این حرفه شده‌اند و این بی‌انگیزگی به طور حتم بر فرآیند یادگیری دانش‌آموزان اثرگذار است. غلامی، عارفی، فتحی و اجارگاه و ابوالقاسمی (۲۰۱۷) در پژوهشی با هدف شناسایی چالش‌های آموزش زبان انگلیسی در نظام آموزشی ایران، دریافتند که باور و نظر مدرسان در رابطه با آموزش زبان انگلیسی، متفاوت با عملکرد آن‌ها در کلاس درس است و به زعم آن‌ها این فاصله ناشی از امکانات نامناسب، عوامل فرهنگی خانواده‌ها و دانش‌آموزان، عدم هماهنگی در برنامه درسی و محتوای کتاب‌ها و عوامل مادی و معنوی از قبیل انگیزه است. مدرسان در این پژوهش با صراحت اذعان داشتند که از روش‌های سنتی در آموزش استفاده می‌کنند و تأکید کردند روشی که آن‌ها برای آموزش استفاده می‌کنند به هیچ وجه روش ایده‌آل و مطلوب نیست. در همین راستا رزمجو و ریاضی (۲۰۰۶) در پژوهش خود به این یافته‌ها صحت گذاشتند و نشان دادند که مدرسان زبان انگلیسی با وجود آن‌که رویکرد ارتباطی را یک رویکرد مؤثر و کارآمد در آموزش زبان انگلیسی می‌دانستند در کلاس‌های درسی خود از روش‌های سنتی آموزش استفاده می‌کردند. این تفاوت بین نظر و عمل در کار آموزشی مدرسان، نشان می‌دهد که علی‌رغم علم و آگاهی معلمان از ضرورت استفاده از روش‌های نوین آموزشی، این موضوع بنا به دلایلی مورد غفلت قرار گرفته است. این ضعف در حالی است که Xiao, Yang (۲۰۱۹) در پژوهش خود نشان دادند که معلمان با استفاده از روش‌های آموزش و ارزشیابی استاندارد و متنوع و ارائه بازخوردهای به موقع و مناسب می‌توانند به درک عمیق دانش‌آموزان و پرورش انگیزه و خودتنظیمی آن‌ها و در نتیجه تسلط بر مهارت‌های زبان انگلیسی زبان‌آموزان کمک زیادی کنند.

مطالعات مختلف بر اهمیت نقش کتاب‌های آموزشی در تدریس و یادگیری زبان انگلیسی تأکید دارند و با وجود ابزارهای پیشرفته و توسعه‌یافته رسانه‌ای در سراسر نظام‌های آموزشی جهان، همچنان

کتاب آموزشی از اصلی‌ترین منابع آموزشی محسوب شده و نقش مؤثری در یادگیری ایفا می‌کنند؛ در حقیقت کتاب‌های درسی قلب تپنده‌ی برنامه‌های آموزش زبان انگلیسی هستند؛ اما با این وجود کتاب‌های زبان انگلیسی در مدارس ایران همواره یکی از عوامل مهم نارضایتی دبیران و دانش‌آموزان بوده است (محمودی و احمدی صفا، ۲۰۱۴)؛ در همین راستا، طاهرخانی و همکاران (۲۰۱۷) با تأکید بر این نکته که اهمیت کتاب‌های درسی در سیستم آموزشی متمرکزی مانند ایران که تقریباً تمام عوامل مؤثر آموزشی آن بر اساس محتوای این کتب تدوین و اجرا می‌شود، بیش از دیگر نظام‌های آموزشی است، پس از مطالعه‌ای گسترده دریافتند که کتاب‌ها به لحاظ ویژگی‌های ظاهری و کارآمد بودن کتاب، اختصاص اهداف و منابع اثربخش، محتوای یادگیری و تدریس و مهارت‌های زبانی موفق بوده و از این لحاظ توانسته است تا حدودی نظر مثبت معلمان و دانش‌آموزان پایه دهم را به خود جلب کند و یکی از نقاط ضعف این کتاب که هر دو گروه بر آن اتفاق نظر داشتند، بخش «مهارت‌های شنیداری» است که لازم است بیشتر به آن توجه شود. در رابطه با اهمیت نقش توجه کتاب‌های درسی به رویکرد شنیداری و رویکرد ارتباطی، می‌توان به پژوهش (Murali 2009) استناد کرد که نشان داد یکی از عوامل پیشرفت زبان انگلیسی در کشور هند توجه زیاد کتب آموزشی به رویکرد ارتباطی است. محمودی و مرادی (۲۰۱۵) نیز در پژوهش خود به بررسی و تحلیل مهمترین نقاط قوت و ضعف کتاب‌های درسی پرداختند و نکته بارز و مورد تأیید اکثر معلم‌ها این بود که بین دروس و مطالب عنوان شده پیوستگی کافی وجود ندارد و برای تدریس مطالب موجود از تکنیک‌های متناسب با سن دانش‌آموزان استفاده نشده است؛ به‌عنوان مثال، با توجه به سن زبان‌آموزان، استفاده از شعرهای آموزنده و آهنگ می‌توانست نقش به‌سزایی در یاددهی مطالب ایفا نماید. از طرف دیگر به نظر می‌رسد که یکی از پیش‌فرض‌های اصلی مؤلفان کتاب این بوده است که در تمامی شهرها و روستاهای ایران، آموزشگاه‌های خصوصی زبان انگلیسی دایر بوده و اکثر دانش‌آموزان با گذراندن دوره‌هایی، حداقل آشنایی لازم را در خصوص مقدمات زبان انگلیسی کسب کرده‌اند؛ اما با نگاهی اجمالی به بافت جمعیتی دانش‌آموزان در شهرها و روستاها و با در نظر گرفتن مناطق محروم و عدم وجود امکانات و آموزشگاه‌های زبان در برخی از مناطق کشور، مشخص می‌شود که فرض مؤلفان کتاب از صحت کافی برخوردار نیست. نکته دیگر این‌که، یکی دیگر از مهمترین نقاط ضعف این کتاب عدم توجه به رابطه بین فرهنگ و یادگیری زبان خارجی و توجه صرف و اغراق شده به روستاها و فرهنگ بومی است. این در حالی است که به زعم Brown (2007) عملاً امکان تفکیک حداکثری یک زبان از بافت فرهنگی آن زبان وجود ندارد.

یکی از نقاط ضعف عمده در نظام آموزشی ایران، عدم تمایل و عدم توانمندی مدرسان زبان انگلیسی در استفاده از فناوری‌های نوین آموزشی است (افضل‌خوانی و لواف، ۲۰۱۳). مرادجو، کتابی و توکلی (۲۰۱۸) ضمن تأکید بر این نکته که با توجه به شرایط دنیای فعلی به‌عنوان عصر ارتباطات

و فناوری اطلاعات، استفاده از برنامه‌های چندرسانه‌ای زبان اصلی مانند اخبار، فیلم و کارتون از جذاب‌ترین و پرتعدادترین منابع و شیوه‌های آموزش و یادگیری زبان خارجی و دوم محسوب می‌شود، با هدف شناسایی تأثیر تدریس واژگان زبان انگلیسی با استفاده از کاتون آموزشی، ضمن پژوهش بر روی زبان‌آموزان یک آموزشگاه خصوصی زبان، دریافتند که استفاده از کارتون‌های آموزشی استاندارد در کنار تعامل هدفمند معلم و زبان‌آموز، در فراگیری بهتر و با کیفیت زبان‌آموزان مؤثر است. Alha beeb, Rowley؛ (۲۰۱۸) Alfaki, Khamis؛ (۲۰۱۸) Crompton؛ (۲۰۱۷) و Jayashree (۲۰۱۷) همگی بر این نکته تأکید زیادی می‌کنند که لازم است معلمان در دنیای جدید از روش‌های سنتی آموزش فاصله بگیرند و با استفاده از روش‌های نوین آموزش و استفاده از فناوری اطلاعات، تسهیل‌گران واقعی دانش باشند و فرآیند یادگیری را برای زبان‌آموزان جذاب‌تر و اثربخش‌تر نموده و حواس بیشتری از فراگیران را درگیر نمایند. نتیجه این نوآوری و خلاقیت مدرسان در آموزش، رشد فراگیران و فعلیت یافتن استعداد‌های نهفته آنان است (Kalyani, Rajasekaran؛ ۲۰۱۸). در همین راستا Ahmad (۲۰۱۶) با مطالعه بر روی زبان‌آموزان مصری دریافت که استفاده از فناوری اطلاعات در بهبود مهارت شنیداری زبان‌آموزان تأثیر زیادی دارد و Al-Harbi, Alshumaimeri (۲۰۱۶) تأثیر مثبت روش‌های نوین تدریس مانند یادگیری معکوس را با مطالعه بر روی فراگیران زبان انگلیسی در شهر ریاض عربستان مورد تأیید قرار دادند. اما نکته مهم این است که تغییر الگوی آموزش زبان انگلیسی در نظام آموزشی کشور از شیوه سنتی دستور-ترجمه به رویکرد ارتباطی و همچنین استفاده از روش‌های نوین آموزشی بر پایه استفاده از فناوری‌های جدید، مستلزم تغییر و تحولات بنیادین و زیرساختی، از جمله تغییر در محتوای آموزشی، تغییر در روش تدریس، ایجاد تحول نگرشی و انگیزشی در دبیران و همین‌طور نوآوری در مدیریت کلاس درسی است که تجربه‌ی سال‌های اخیر نشان دهنده مجموعه‌ای از نقاط ضعف و قوت در فرآیند این تغییر و تحولات بوده است (خیرآبادی، ۲۰۱۷).

بررسی‌های گسترده نشان می‌دهند که علی‌رغم انتقادات زیاد و تلاش متخصصان آموزشی، تغییرات قابل توجهی در آموزش زبان انگلیسی در کشورمان ایجاد نشده است و هنوز شیوه‌های سنتی تدریس و ارزشیابی و مواد آموزشی قدیمی در نظام آموزشی حاکم هستند، مدرسان توان کافی و مطلوب برای آموزش و فراگیران انگیزه و اشتیاق لازم برای یادگیری ندارند (احمدی و همکاران، ۲۰۲۰). همه‌ی این موارد ضرورت نگاه واقع‌بینانه و تخصصی به آموزش زبان انگلیسی در نظام‌های آموزشی از جمله نظام آموزشی ایران را بیش از پیش نمایان می‌سازد، موضوعی که نباید در فضای نابهنجاری که زاییده‌ی نگاه افراط و تفریط‌گرایانه به آموزش زبان انگلیسی است مورد کم‌توجهی و غفلت مدیران آموزشی کشور واقع شود. از این‌رو، پژوهش حاضر سعی دارد تا با نگاهی دقیق و موشکافانه و از منظر متخصصان آموزش زبان انگلیسی، در قالب پژوهشی کیفی به مطالعه عمیق و

ارائه مدل اجرایی برای بهبود و توسعه آموزش زبان انگلیسی در نظام آموزشی کشور ایران بپردازد. بدون شک بررسی وضعیت آموزش زبان انگلیسی در کشوری به وسعت ایران با بیش از چهارده میلیون دانش‌آموز و نزدیک به چهار میلیون دانشجو از اهمیت زیادی برخوردار است و می‌تواند کمکی باشد در راستای توجه و تعمق بیشتر به درس مهم و کاربردی زبان انگلیسی که به‌عنوان یکی از حوزه‌های یازده‌گانه تربیت و یادگیری؛ با عنوان حوزه تربیت و یادگیری زبان‌های خارجی در برنامه درسی ملی ایران، مطرح گردیده است.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به‌عنوان یک پژوهش کاربردی، در زمره‌ی تحقیقات کیفی محسوب می‌شود که با بهره‌گیری از روش داده‌بنیاد^۱ به مطالعه‌ی فرآیند یاددهی- یادگیری زبان انگلیسی در نظام آموزشی ایران می‌پردازد. این مطالعه با اتخاذ رویکرد اکتشافی (استقرایی)، به جست‌وجوی الگویی برآمده از داده‌های زمینه‌ی پژوهش پرداخته است. از آن‌جا که تبیین مطلوبی نسبت به وضعیت موجود فرآیند یاددهی و یادگیری زبان انگلیسی در الگوها و نظریه‌های موجود مشاهده نشد، این روش به منظور کاوش در آموزش زبان انگلیسی در نظام آموزشی ایران برگزیده شد. جامعه تحقیق عبارتند از مدرسان آموزش زبان انگلیسی در سه مقطع مدرسه، دانشگاه و آموزشگاه‌های خصوصی آموزش زبان انگلیسی. با توجه به هدف پژوهش، گروه مرجع و معینی از مدرسان انتخاب شدند که به زعم مدیران، زبان‌آموزان و والدین زبان‌آموزان از تبحر و تخصص قابل توجه‌ای برخوردار هستند. در مجموع ۲۷ نفر از مدرسان انتخاب شدند که ۱۱ نفر در گروه معلمان مدرسه، ۵ نفر در گروه اساتید دانشگاه و ۱۱ نفر در گروه مدرسان آموزشگاه‌های زبان خارجی قرار گرفتند، جدول (۱) مشخصات جمعیت‌شناسی مشارکت‌کنندگان در پژوهش را نشان می‌دهد. فرآیند انتخاب اعضاء تا زمانی ادامه یافت که پژوهشگر به اشباع نظری در داده‌ها دست یافت. نمونه‌گیری با استفاده از تکنیک‌های هدفمند ترکیبی انجام شد؛ به این صورت که در ابتدا به صورت هدفمند و با استفاده از نمونه‌گیری شدت، چند نمونه‌ی پرا اطلاعات در زمینه‌ی موضوع و هدف پژوهش انتخاب گردید و سپس با استفاده از راهبرد نمونه‌گیری گلوله برفی، از هر نمونه‌ی شدت برای یافتن نمونه‌ی دیگر استفاده شد و نهایتاً در فرآیند تحقیق، پژوهشگر به نمونه‌های شدت دیگری که اطلاعات کافی در زمینه‌ی پژوهش داشتند، دست یافت (محمدپور، ۲۰۱۳). مصاحبه‌ها به‌صورت حضوری در محل کار مدرسان انجام گرفت؛ میانگین مدت زمان هر مصاحبه یکساعت بود. قبل از انجام مصاحبه با استفاده از تماس تلفنی یا ارسال ایمیل به مدرسان و طبق زمان اعلامی ایشان، روز و ساعت مصاحبه تعیین گردید. درخواست از مدرسان برای مشارکت در پژوهش، بدون پافشاری و اصرار جهت اجبار به مصاحبه،

صورت پذیرفت. در زمان مصاحبه، با کسب اجازه از مصاحبه‌شونده‌ها و ارائه اطمینان از اینکه مشخصات آنها کاملاً محرمانه باقی می‌ماند، فرایند مصاحبه با استفاده از تلفن همراه ضبط شد و طبق قولی که به مصاحبه‌شونده‌ها داده شده بود، پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها به صورت فایل متنی، فایل صوتی از تلفن همراه پاک شد. در فرایند مصاحبه، مصاحبه‌کننده تلاش نمود تا با عدم سوگیری و بدون جهت‌دهی عامدانه به فرایند مصاحبه، به‌عنوان مخاطب بی‌طرف صرفاً شنونده و ضبط‌کننده نظرات مشارکت‌کنندگان در پژوهش باشد. پس از پیاده‌سازی متن مصاحبه‌ها و برای محرمانه ماندن هویت مشارکت‌کنندگان در پژوهش، برای هر کدام از مصاحبه‌شونده‌ها یک کد در نظر گرفته شد.

جدول ۱- جدول جمعیت‌شناسی مشارکت‌کنندگان در پژوهش

کد	مقطع تدریس مصاحبه‌شونده	جنسیت	سابقه تدریس (سال)	کد	مقطع تدریس مصاحبه‌شونده	جنسیت	سابقه تدریس (سال)
۱	مدرسه	زن	۹	۱۵	مدرسه	زن	۱۰
۲	مدرسه	زن	۲۰	۱۶	مدرسه	زن	۱۷
۳	آموزشگاه	زن	۱۲	۱۷	آموزشگاه	زن	۱۳
۴	مدرسه	زن	۱۶	۱۸	مدرسه	مرد	۱۶
۵	دانشگاه	زن	۱۴	۱۹	دانشگاه	مرد	۱۳
۶	دانشگاه	زن	۱۱	۲۰	آموزشگاه	زن	۱۶
۷	دانشگاه	زن	۱۵	۲۱	آموزشگاه	مرد	۱۵
۸	مدرسه	زن	۱۲	۲۲	آموزشگاه	زن	۶
۹	آموزشگاه	زن	۱۵	۲۳	آموزشگاه	زن	۱۰
۱۰	آموزشگاه	زن	۱۰	۲۴	مدرسه	زن	۱۴
۱۱	آموزشگاه	زن	۱۶	۲۵	مدرسه	زن	۲۰
۱۲	دانشگاه	مرد	۲۰	۲۶	مدرسه	زن	۱۲
۱۳	آموزشگاه	مرد	۱۵	۲۷	آموزشگاه	زن	۱۰
۱۴	مدرسه	مرد	۱۱				

با توجه به هدف و رویکرد پژوهش، مصاحبه‌ی عمیق و نیمه‌ساختاریافته اثربخش‌ترین ابزار ممکن در نظر گرفته شد. مصاحبه با هرکدام از مدرسان و متخصصان آموزش زبان انگلیسی با در نظر گرفتن شرایط ویژه هر کدام از لحاظ حوزه آموزش صورت گرفت که به‌طور میانگین برای هر مصاحبه دست‌کم یک ساعت و پانزده دقیقه زمان صرف شد. فرایند مصاحبه تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت و متن مصاحبه‌ها پس از پیاده‌سازی مورد تجزیه و تحلیل و کدگذاری قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش مقوله‌بندی نظام‌مند (Strauss & Corbin, ۱۹۹۸) در سه مرحله‌ی کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام شد (Creswell, ۲۰۱۰). در جریان رفت‌وبرگشت و مقایسه‌ای مستمر، در مجموع ۱۵۸ کد باز شناسایی شدند و در نهایت الگوی

داده‌بنیاد پدید آمد. فرآیند کدگذاری با توجه به تحلیل محتوای استقرائی به این صورت انجام گرفت که در ابتدا فایل مصاحبه‌ها به داده‌های متنی تبدیل شدند، سپس این متون سطر به سطر با دقت مطالعه و بررسی گردیده و مفاهیم نخستین از متن مصاحبه با توجه به هدف پژوهش کشف و استخراج شدند؛ این مرحله کدگذاری باز بود، در مرحله بعد کدهای شناسایی شده در مرحله قبل مورد بررسی قرار گرفته و کدهای با معانی مشترک در یک گروه قرار گرفتند؛ کدهای منتج از این مرحله کدهای محوری بودند، و در نهایت در مرحله کدگذاری انتخابی، مقوله‌های شناسایی شده که حاصل کدگذاری محوری بودند به یکدیگر پیوسته و طرح نظری بزرگ‌تری را شکل دادند؛ در حقیقت هدف از کدگذاری انتخابی یکپارچه‌سازی و پالایش مقوله‌ها است، نتیجه این کدگذاری، شکل‌گیری پارادایم پژوهش است که دربرگیرنده ابعادی چون: عوامل علی، پدیده‌ی محوری، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردهای کنش و پیامدها است.

در راستای اعتبارپذیری داده‌های پژوهش، مصاحبه‌های عمیق و هدفمند با متخصصین مطلع، میزان باورپذیری پژوهش را افزایش داد. در این پژوهش، ضمن سرمایه‌گذاری زمانی کافی و درگیری طولانی مدت با داده‌های پژوهش و استفاده از منابع تحقیقاتی متفاوت، سعی شد که از مشاوره‌های متمرثر و راهگشا با خبرگان پژوهش، استفاده‌ی بهینه شود؛ که موارد فوق‌الذکر در ارتقاء سطح باورپذیری پژوهش تأثیر به‌سزائی دارند. برای تأییدپذیری در پژوهش نیز، پژوهش‌گر سعی در مستندسازی منطقی فرآیند و روش کار از ابتدای جمع‌آوری داده‌ها، تا انتهای خلاصه‌سازی و تحلیل آن‌ها را داشت؛ در حقیقت، اهتمام پژوهش‌گر بر این بود که فرآیند نگارش پژوهش، به گونه‌ای پیش برود که تا حد امکان روش‌ها، ایده‌ها و تصمیم‌های اجرایی و طرح کلی تحقیق را به روشنی منعکس کند و به اندازه‌ی کافی جزئیاتی در اختیار خواننده قرار دهد که بتواند مراحل گردآوری و تحلیل داده‌ها را بدون ابهام، ارزیابی کند و ضمن درک منطق و استدلال‌های پژوهش‌گر، تحلیل و تفسیرهای وی را بپذیرد. برای افزایش اطمینان و اعتمادپذیری داده‌ها، پس از پیاده‌سازی متن مصاحبه‌ها و استخراج کدها، متن مصاحبه‌ها در اختیار دو متخصص پژوهش کیفی قرار گرفت؛ تا این متخصصان برداشت خود از کدگذاری‌ها را ارائه دهند. پژوهش‌گر با گرفتن بازخورد و مقایسه کدهای متخصصان با کدهای استخراج شده، اقدام به اصلاح ناهماهنگی‌ها نمود و به این ترتیب، اعتمادپذیری یافته‌ها افزایش یافت. انتقال‌پذیری داده‌های پژوهش نیز از طریق نگارش و توصیفات ژرف و عمیق و همچنین مقایسه‌ی مستمر یافته‌ها با اکتشافات سایر پژوهش‌گران در رابطه با موضوع پژوهش، محقق گردید. برای بررسی پایایی پژوهش نیز از روش هولستی^۱ بهره گرفته شد، در این روش داده‌ها در دو مرحله و توسط دو پژوهش‌گر کدگذاری می‌شوند و "درصد توافق مشاهده شده" بین دو کدگذار با استفاده از فرمول زیر محاسبه می‌گردد: $PAO = 2M / (N1 + N2)$

در فرمول فوق M تعداد موارد کدگذاری مشترک بین دو کدگذار است و $N1$ و $N2$ به ترتیب تعداد کلیه موارد کدگذاری شده توسط کدگذار اول و دوم است. مقدار PAO بین صفر (عدم توافق) و یک (توافق کامل) است و اگر از $0/7$ بزرگتر باشد مطلوب است. بر همین اساس، در پژوهش حاضر با قرار دادن تعداد موارد کدگذاری مشترک بین دو کدگذار (۹۷ کد) و مجموع موارد کدگذاری شده توسط دو کدگذار (۲۳۵ کد؛ به تفکیک ۱۰۸ و ۱۲۷ کد مربوط به کدگذار اول و دوم)، درصد توافق مشاهده شده (PAO)، $0/83$ محاسبه گردید که با توجه بالاتر بودن این ضریب از مقدار $0/7$ می‌توان نتیجه گرفت که پایایی کدگذاری‌های این تحقیق بر اساس روش هولستی، مورد تأیید و قابل قبول است.

یافته‌های پژوهش

تحلیل مصاحبه با متخصصان آموزش زبان انگلیسی و کدگذاری سه‌گانه (باز، محوری و انتخابی) داده‌های پژوهش در راستای پدیده اصلی پژوهش یعنی فرایند یاددهی - یادگیری زبان انگلیسی، منتج به شناسایی عوامل سه‌گانه‌ی (علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر) مؤثر بر فرایند یاددهی - یادگیری زبان انگلیسی در نظام آموزشی و نیز راهبردهای ارائه شده توسط مشارکت‌کنندگان در پژوهش و پیامدهای حاصل از آن گردید، در جدول ذیل خلاصه‌ای از فرایند کدگذاری داده‌های پژوهش در قالب سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی به استناد نقل قول‌های برگزیده مشارکت‌کنندگان گزارش شده است.

جدول ۲- نمونه‌ای از کدگذاری سه‌گانه‌ی داده‌های پژوهش

کدهای انتخابی	کدهای محوری	کدهای باز
بررسی	انگیزش	آگاهی از یافته‌های جدید علمی، پژوهش، ارتباط کارآمد با مردم دنیا، استفاده بهینه از فناوری، تجارت، توسعه‌ی حرفه‌ای و شخصی، مهاجرت، علاقه به جهانگردی، دوران‌اندیشی و هدفمندی، تجربه موفق یادگیری زبان، علاقه شخصی به زبان انگلیسی، علاقه به فرهنگ انگلیسی زبان‌ها
	نگرش	اعتقاد به کاربردی بودن زبان در زندگی، اعتماد به نفس در یادگیری، تعصب نداشتن به زبان مادری، نگرش مثبت به سایر ملل، توجه به نقش زبان در پیشرفت، اجتناب از نمره‌زدگی، هدف‌گذاری منطقی
	مهارت‌های ارتباطی و یادگیری	پشتکار و سخت‌کوشی در یادگیری، آگاهی از روش‌های صحیح یادگیری، استمرار در یادگیری، توجه به روش‌های خودآموزی، استفاده از زبان در روابط روزمره، استفاده از منابع به روز، مهارت حفظ کردن، کدگذاری واژه‌ها، توجه همزمان به مهارت‌های گفتاری و شنیداری، خجالتی نبودن
یادآور	مدرس	توانمندی در انتقال مهارت‌ها، پرهیز از سخت‌گیری‌های بی‌مورد در آموزش، داشتن طرح درس مناسب و جذاب، تسلط کافی به مهارت‌های چهارگانه زبان، حرکت در مسیر توسعه‌ی حرفه‌ای،

		آشنایی با روش‌های نوین و استانداردهای تدریس، انگیزه مثبت، شناخت ضعف و قوت زبان‌آموز، مهارت ارتباطی مطلوب
	برنامه درسی	اختصاص زمان کافی به آموزش، استفاده از نظرات تیم زبان‌شناس و روانشناس حرفه‌ای در تدوین برنامه، بازیابی مستمر منابع آموزشی، پرهیز از نگاه تک بعدی به مهارت‌های زبان، سرمایه‌گذاری زمانی کافی در تألیف کتب آموزشی، تناسب منابع آموزشی با سن فراگیر، عدم غفلت از آموزش زبان در تحصیلات تکمیلی
	شاخص‌های ارزشیابی	توجه به چهار مهارت اصلی زبان در آزمون‌ها، تطابق آزمون با محتوای تدریس شده، توجه به مهارت‌های ارتباطی در آزمون، تطابق روش‌های آزمون با مقاطع تحصیلی، پرهیز از نمره‌محوری
راهبردهای کلان نظام آموزشی	سیاست‌گذاری	سیاست‌گذاری اصولی و مبتنی بر واقعیات، تدبیر و برنامه‌ریزی لازم‌الاجرا، ساختاربندی مناسب و راهیابی از سردرگمی، استفاده از تیم‌های تحقیقاتی متبخر، همکاری گروه‌های آموزشی، تعامل مستمر با مدیران مراکز آموزشی، استفاده از نظرات زبان‌شناسان، توجه به راهبردهای کشورهای موفق در آموزش زبان، تعیین سن مناسب شروع آموزش زبان با بهره‌گیری از یافته‌های علمی
	نقش اسناد بالادستی	تعیین زبان انگلیسی به‌عنوان زبان دوم، تعیین شفاف هدف‌ها، تدوین مسیر مناسب توسعه و پیشرفت، ارائه رهنمودهای راهگشا
	مدیریت کلان مراکز آموزشی	همکاری و تعامل آموزش عالی و آموزش و پرورش، الگوگیری از مراکز آموزشی موفق در دنیا، برگزاری سمینارهای انگلیسی، ارائه برنامه مدون آموزش زبان، وحدت هدف و مقصد مراکز آموزشی، نگاه مثبت به نقش زبان در پیشرفت کشور، پرهیز از هم‌گسیختگی در برنامه‌ریزی، پرهیز از نگاه افراط و تفریط‌گرایانه، شناخت صحیح وضع موجود، نگاه جامع و توجه به شرایط آموزشی مناطق مختلف کشور
منابع و امکانات	تجهیزات، منابع مالی و بودجه	تخصیص بودجه مناسب، تأمین بودجه پژوهش‌های کاربردی در حوزه زبان، تخصیص متوازن بودجه آموزشی به مناطق مختلف کشور، اولویت‌بندی مناسب در تخصیص بودجه، تأمین منابع آموزشی، ایجاد فضای مناسب آموزشی، تخصیص امکانات با توجه به مهارت‌های چهارگانه زبان
	فناوری اطلاعات	استفاده از محتواهای چندرسانه‌ای، استفاده از لابراتورهای پیشرفته زبان، تطابق امکانات و تجهیزات با اهداف آموزشی، استفاده از اینترنت و پست آنلاین، استفاده بهینه از تکنولوژی‌های نوین، استفاده کاربردی از فضای مجازی در راستای اهداف، انعطاف در پذیرش فناوری
بهبود زیرساخت‌ها	ترمیم ساختارها	ایجاد فضای آموزشی مناسب، برگزاری کلاس‌های فوق برنامه زبان انگلیسی، ایجاد محیط مناسب برای بکارگیری زبان انگلیسی، بازنگری امکانات آموزشی با توجه به یافته‌های جدید علمی، تشکیل کمیته‌های ویژه بررسی موانع و چالش‌های آموزش زبان در کشور، استفاده از تحقیقات داخلی در رابطه با آموزش زبان، تدوین برنامه درسی ملی
	نظام تربیت مدرسین توانمند	توجه به روش‌های نوین آموزش، تعلیم و آموزش مدرسین، برگزاری کارگاه‌های آموزش زبان انگلیسی برای مدرسین، ایجاد انگیزه برای استفاده از روش‌های جدید آموزش زبان، آشنایی با روش‌های استاندارد آموزش زبان دوم، بازآموزی مداوم مهارت‌های مدرسین، ایجاد فیلترهای مناسب برای جذب مدرسین توانمند

۱) مقوله‌ی محوری: فرآیند یاددهی - یادگیری زبان انگلیسی

به زعم Strauss, Corbin (۱۹۹۸)، اولین و مهم‌ترین گام در روند تدوین الگوی داده‌بنیاد، شناسایی مقوله‌ی محوری است که مقوله‌های دیگر پیرامون آن آرایش می‌یابند؛ در حقیقت مقوله محوری باید توانایی تحلیل و جذب مقوله‌های دیگر را به‌منظور تشکیل ساختاری تبیینی داشته باشد، در همین راستا و در فرآیند تحلیل، مقوله‌ی «فرآیند یاددهی-یادگیری زبان انگلیسی» به‌عنوان مقوله‌ی محوری شناخته شد.

۲) عوامل و زمینه‌های علی

عوامل علی، مجموعه‌ای از وقایع یا رخدادها هستند که مقوله‌ی اصلی یا پدیده محوری مورد نظر و کنش‌های حاصل از آن‌را به‌طور مستقیم تحت‌تأثیر قرار می‌دهند (Strauss, Corbin, ۱۹۹۸).

الف) عوامل فردی

در یادگیری هر مهارتی از جمله زبان خارجی نقش مؤثر یادگیرنده غیرقابل انکار است؛ اگر زبان‌آموز انگیزه و هدف‌گذاری مشخصی در یادگیری زبان نداشته باشد، بالطبع یادگیری مناسبی نیز صورت نمی‌گیرد و به ناکارآمدی آموزش و یادگیری زبان انگلیسی منجر می‌شود، این‌که فراگیر با چه انگیزه‌ای می‌خواهد زبان را یاد بگیرد؟ آیا هدفمند است و برای یادگیری زبان دارای چشم‌انداز است یا صرفاً چون درس اجباری در مدرسه یا دانشگاه است به انگیزه کسب نمره یا پاس کردن واحد دانشگاهی به یادگیری اقدام می‌کند؟ یا به اصرار والدین و برای چشم و هم‌چشمی زبان می‌آموزد؟

متخصصان به اهمیت نقش انگیزه در یادگیری زبان اذعان کرده‌اند: "بعضی از بچه‌ها خیلی انگیزه دارند و فعالند و برخی فقط برای نمره درس می‌خوانند بستگی به هدفی دارد که توی ذهنشان دارند برای آینده، اغلب بچه‌ها فقط به فکر زمان حال هستند و آینده‌نگری ندارند اما اندکی هستند که مثلاً فیلم می‌بینند برای تقویت زبانشان؛ این‌ها هدف دارند مثل تحصیل یا سفر به خارج که به همین جهت برای آموزش زبان انگیزه زیادی دارند" (کد ۲).

و یا اینکه زبان‌آموز چه نگرشی نسبت به زبان انگلیسی دارد و چقدر آن را برای زندگی در جهان فعلی لازم و ضروری می‌داند و چقدر خودباوری دارد که می‌تواند این زبان خارجی را بیاموزد؛ گاهی اوقات هراس و ترس از یادگیری زبان مانع از این می‌شود که افراد به سمت یادگیری زبان بروند و به این امر اقدام کنند؛ چرا که تصور می‌کنند از پس یادگیری آن بر نمی‌آیند و این مسأله باعث دلزدگی و فرار از یادگیری زبان انگلیسی می‌شود؛ این هراس و دلزدگی می‌تواند ریشه در عوامل مختلفی مانند خاطره تلخ از یادگیری زبان در مدرسه و یا سخت‌گیری زیاد مدرسان داشته باشد: "اکثر دانش‌آموزان و دانشجویان فراری هستند از متون انگلیسی. حالا دوره کارشناسی که اصلاً حتی خود اساتید هم سراغ این نمی‌روند که دانشجو را سوق بدهند به سمت اینکه مطالب انگلیسی

مطالعه کند، در ارشد و حتی دکتری هم احساس می‌کند که یک‌جور در واقع هراس دارند نسبت به متون انگلیسی و از همان ابتدا احساس می‌کنند خیلی سخت و مشکل است و تا آنجا که می‌شود نمی‌خواهند ورود پیدا کنند البته نمی‌خواهند نه از این بابت که علاقه ندارند، از این بابت که توانایی‌اش را ندارند و اعتماد به نفس ندارند و بخاطر همین هم تا آنجا که امکان دارد دوست دارند که متون ترجمه شده را مطالعه کنند یا متون فارسی را" (کد ۶). موضوع مهم دیگر در این زمینه این است که چون ماهیت هر زبانی من جمله زبان انگلیسی به گونه‌ای است که به طور عمده در ارتباط با دیگران مورد استفاده قرار می‌گیرد لازم است که افراد در پروسه فراگیری زبان خارجی هم مهارت حفظ و یادگیری و هم مهارت ارتباطی مطلوبی داشته باشند تا روند آموزش تسهیل و تسریع گردد: "بعضی از بچه‌ها ذاتاً می‌توانند راه خودشان را برای یادگیری زبان پیدا کنند، می‌دانند چه جور می‌توانند این‌ها را مثلاً آهنگین حفظ کنند که بهتر در ذهنشان بماند، این‌ها مهارت ارتباطی قوی دارند و سر کلاس بدون این‌که خجالت بکشند انگلیسی صحبت می‌کنند حتی اگر زیاد مسلط نباشند اما خجالت نمی‌کشند، این خیلی مهم هست در یادگیری زبان، این‌طور زبان‌آموزان معمولاً در صحبت به زبان مادری هم قوی هستند و قدرت واژه‌گزینی و بیان قوی دارند" (کد ۲۵).

ب) پداگوژی^۱

پداگوژی را عموماً به عنوان نظریه یا علم تعلیم و تربیت می‌دانند که روش یا روش‌های ویژه‌ای را برای توسعه‌ی ذهنی یادگیرندگان ارائه می‌دهد. در متون فارسی برای واژه‌ی پداگوژی از معادل‌های مختلفی، مانند فن تعلیم و تربیت، علم تربیت، علم تدریس، هنر تدریس، علم آموزش و پرورش و آموزش‌گری، آموزش‌شناسی استفاده شده است. فهم پداگوژی و برنامه درسی عنصر کلیدی برای ایفای نقش مدرس در نظام آموزشی است. پداگوژی به معنای هدایت کردن و به عنوان هنر و علم تدریس شناخته شده است؛ این‌که چه چیزی باید یاد گرفته شود، چگونه یاد گرفته شود، چه موقع باید یاد گرفته شود، و این‌که به کمک معلم یاد گرفته شود و معلم نسبت به آن پاسخ‌گو باشد، به عنوان تکنیک‌های پداگوژی برای انتقال مؤثر محتوا استفاده شده است. این برداشت از پداگوژی برخاسته از نگاه نظریه‌پردازان عرصه تربیت متناسب با "رویکرد معلم‌محور" در سطح مدارس بوده است. تحولات در حوزه تعلیم و تربیت و حضور رویکردهای یادگیرنده‌محور و یادگیری‌محور، تأکید بر نقش تسهیل‌گری معلم و همچنین توسعه پداگوژی به آموزش در مقاطع و سنین مختلف، منجر به بازتعریف پداگوژی شده است و دیگر فهم پداگوژی محدود به تربیت کودک نیست؛ بلکه به عنوان مفهومی اساسی برای آموزش‌گری در همه دوره‌های تحصیلی تلقی می‌شود (عباباف، ۲۰۱۹ و (Ababaf, 2019 & Ghashmardi, 2010). در ارتباط با هر آموزشی به ویژه زبان انگلیسی عناصر پداگوژی در قالب سه مولفه‌ی مدرس، برنامه درسی و شاخص‌های ارزشیابی مورد توجه و تأکید

است. هنر و مهارت معلم در تدریس هر رشته‌ای از جمله زبان انگلیسی غیرقابل انکار هست، تسلط به مهارت‌های چهارگانه زبان انگلیسی و هنر انتقال این مهارت‌ها به دانش‌آموزان لازمی یک آموزش مناسب، ایده‌آل و مطلوب است: "برخی معلم‌ها چون توانمندی لازم را ندارند یا اینکه مثلاً آشنایی ندارند با تکنولوژی یا اینکه می‌ترسند کم بیاورند جلوی بچه‌ها یا اینکه فکر می‌کنند اتلاف وقت هست، از به‌کارگیری محتواهای چندرسانه‌ای و تقویت مهارت اسپیکینگ و لیسنینگ چشم‌پوشی می‌کنند متأسفانه، معلم‌ها بخصوص قدیمی‌ترها اکثراً ضعف دارند در لیسنینگ و اسپیکینگ چون هیچوقت ازشان خواسته نشده بوده که در این دو مورد کار کنند و فقط لغت به لغت ترجمه می‌کردند و گرامر را هم که به فارسی درس می‌دادند و راحت بوده کارشان؛ الان روش‌های جدید سخت است برایشان بخاطر توانمندی ضعیفشان، لازم است که معلم‌ها توانمندی کافی را در مهارت‌های چهارگانه زبان داشته باشند، اینکه برنامه درسی نیز مطلوب و استاندارد باشد هم حائز اهمیت است" (کد ۴).

مکمل آموزش مناسب ارزشیابی صحیح، جامع و کامل است که بتواند آموخته‌های زبان‌آموز را در ابعاد و زمینه‌های لازم مورد سنجش و ارزشیابی قرار دهد: "سیستم ارزشیابی باید مناسب باشد، لیسنینگ داشته باشد اسپیکینگ داشته باشد؛ فقط گرامر و کمی درک مطلب کافی نیست، اگر امتحان شفاهی داشته باشیم، خیلی کیفیت را بهتر می‌کند که البته به زمان بیشتری نسبت به الان نیاز داریم برای آموزش و ارزشیابی" (کد ۵).

پ) زیست‌بوم

شرایط جامعه و این‌که تا چه حد زبان انگلیسی کاربرد دارد و مورد استفاده قرار می‌گیرد، به‌گونه‌ای که افراد احساس کنند اگر زبان انگلیسی را بلد نباشند در زندگی و پیشبرد امور خود دچار مشکل می‌شوند، موضوعی است که هدایت‌گر افراد برای یادگیری زبان انگلیسی و برنامه‌ریزان آموزشی برای اتخاذ تدابیر مناسب تلقی می‌گردد؛ اینکه شرایط فرهنگی و علمی یک کشور به‌گونه‌ای باشد که عدم آشنایی با زبان انگلیسی مترادف با ضعف در سواد عمومی افراد در سنین و رده‌های مختلف محسوب شود: "اگر شرایط طوری باشد که زبان‌آموز احساس کند این چیزهایی که یاد می‌گیرد در زندگی روزمره کاربرد دارد یا مثلاً برای استفاده از وسایل و امکانات در شرایط متنوع نیاز به تسلط و آشنایی با زبان انگلیسی دارد، یعنی در حقیقت جامعه به سمتی برود که یادگیری زبان خارجی به ویژه زبان انگلیسی به یک فرهنگ جمعی و اصلی تبدیل بشود این خودش عامل مهم فراگیری زبان انگلیسی هست مثل همان چیزی که الان در کشوری مثل ترکیه اتفاق افتاده" (کد ۳).

۳) عوامل زمینه‌ای

علاوه بر مقوله‌های علی، عوامل دیگری نیز وجود دارند که تأثیر عوامل علی بر پدیده را کاهش یا افزایش می‌دهند و یا تعدیل و اصلاح می‌کنند که به‌عنوان مقوله‌های زمینه‌ای و مداخله‌گر شناخته

می‌شوند (Strauss, Corbin, ۱۹۹۸). این عوامل در نتیجه کدگذاری و مقوله‌بندی، به شرح ذیل ارائه شده‌اند.

الف) شرایط خانوادگی

وضعیت تحصیلی والدین و سایر افراد خانواده، شرایط فرهنگی و اقتصادی خانواده و سبک زندگی آن‌ها عامل مهمی در روند یادگیری زبان انگلیسی است که از طرف مشارکت‌کنندگان در پژوهش مورد توجه قرار گرفته است: "بچه‌ها دو دسته هستند بچه‌هایی که واقعاً هیچی نمی‌دانند و بچه‌هایی که خیلی خوب می‌دانند حتی اسپیکرهای خیلی خوبی هستند و بچه‌هایی هستند که کانون زبان رفتند، دیپلم زبان انگلیسی دارند یا بعضاً خارج از کشور زندگی و رفت و آمد می‌کنند و پدر و مادرهای با تحصیلات بالا دارند" (کد ۱۱).

ب) راهبردهای کلان نظام آموزشی

سیاست‌گذاری‌ها که در اسناد بالادستی جلوه‌گر می‌شوند و برنامه درسی مراکز آموزشی را شکل می‌دهند عناصر زمینه‌سازی هستند که بستر یادگیری و یاددهی زبان انگلیسی را فراهم می‌سازند: "با توجه به این‌که سیاست‌گذاری آموزشی کشور به این شکل هست که تدریس زبان انگلیسی در سنین ۷ تا ۱۱ سال در مدارس ایران اجباری نیست و نظر به اینکه بسیاری از محققان بر این باورند که بهترین سن یادگیری زبان جدید، در سنین زیر ۱۰ سال خواهد بود از نظر بنده حجم عظیمی از استعداد یادگیری زبان انگلیسی در دانش‌آموزان ابتدایی هدر می‌رود" (کد ۲۲). "باید اول به این سوال جواب بدهیم که آیا می‌خواهیم کاربرد داشته باشد یا فقط می‌خواهیم در یک سطح آموزشی بماند، نمی‌دانم سیاست در این قسمت چی هست و سندهای بالا دستی را باید چک کرد و اینها به راحتی هم روی کاغذ نمی‌آید، نمی‌آیند بگویند که می‌خواهیم یا نمی‌خواهیم، زمانی اصلاً می‌گفتند انگلیسی، زبان کفّار هست و باید تعطیل بشود، اما امام خمینی گفتند وقتی ما می‌توانیم با یک زبان، عقایدمان را ترویج بدهیم، چرا جلوییش را بگیریم؟ و گفتند زبان انگلیسی باشد" (کد ۱۴).

از طرف دیگر مدیریت و رهبری کلان نظام آموزشی که مسئولیت اجرا کردن سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی را دارد از اهمیت زیادی برخوردار است، در حقیقت برنامه هر چند هم عالی باشد اگر فاقد ضمانت اجرایی بوده و مدیریت کارآمد هدایت صحیح برنامه را بر عهده نداشته باشد عملاً با نبودن سیاست و برنامه تفاوتی ندارد: "باید سه تا وزارتخانه بهداشت و درمان، عالی و آموزش و پرورش با هم برنامه‌ریزی کنند و یک برنامه مدوّن برای آموزش زبان داشته باشند الان هر کسی دارد ساز خودش را می‌زند، در مدرسه به یک شکلی کار می‌شود بعد می‌آید دانشگاه که کلاً رها می‌شود و همان مطالب مدرسه باز گفته می‌شود، دوباره کاری می‌شود و دانشجو هم فکر می‌کند خیلی بلد هست در صورتی که واقعاً بلد نیست، یک برنامه مدوّن و هدفمند بین این سه نظام

آموزشی باشد که آموزش از مدرسه شروع بشود و ادامه روند آموزشی مدرسه و تکمیل کننده آن در دانشگاه صورت بگیرد نه اینکه دوباره کاری باشد" (کد ۷).

پ) گروه همسالان و همکاران

اصولاً افراد در سنین و دوره‌های مختلف، از افرادی که ارتباط زیادی با آنها دارند تأثیر عمده‌ای می‌گیرند؛ اگر یک فرد در ارتباط با گروه‌هایی که بیشترین ارتباط را با آنها دارد احساس کند که این اشخاص دارای مهارت و تبحر ویژه در زمینه‌ای خاص هستند و به وسیله این مهارت راحت‌تر به اهداف خود دست می‌یابند، او نیز ترغیب می‌شود که مهارت خود را کامل کند؛ این موضوع در رابطه با یادگیری زبان انگلیسی نیز صدق می‌کند، در حقیقت افراد از همسالان و همقطاران خود که ارتباط زیادی با آنها دارند اثر می‌پذیرند و با راهنمایی گرفتن و الگو قرار دادن آنها به کسب مهارت در آموختن زبان انگلیسی همت می‌گمارند: "معمولاً یادگیری زبان مثل مابقی کارها هست که افراد می‌توانند روی همدیگر اثرگذار باشند اگر دانش‌آموزان و دانشجویان ببینند همسن و سال‌ها به این موضوع اهمیت نمی‌دهند یا حتی بزرگترها برای آموختن زبان برنامه‌ای ندارند خب یک حالت بیخیالی عمومی در این زمینه به وجود می‌آید و برعکسش هم هست اگر افراد برای یادگیری زبان علاقه و رغبت نشان بدهند این انگیزه را به اطرفیان، دوستان و همکاران منتقل می‌کنند و در حقیقت یک هم‌افزایی در این زمینه به وجود می‌آید" (کد ۲۶).

ج) الزامات پیشبرد اهداف علمی و شغلی

به‌طور طبیعی افراد هدفمند و آینده‌نگر، در برنامه‌ریزی جهت تحقق اهداف خود الزامات رسیدن به هدف‌ها را مدنظر قرار داده و سعی می‌کنند این لوازم را فراهم آورند، در رابطه با یادگیری زبان انگلیسی نیز اهداف ذهنی افراد، هم اهداف تخصصی و هم اهداف عمومی مانند مطالعه کتاب‌ها در فرمت اورجینال و به زبان اصلی، تعامل با افراد خارجی در نقاط مختلف جهان، جهانگردی و گردشگری، حضور در کنفرانس‌های علمی خارجی، استفاده از بازی‌ها و ابزار سرگرمی محصول کشورهای خارجی و ... زمینه‌ساز حرکت آنها به سمت یادگیری زبان انگلیسی است، "اگر من بدانم برای پیشرفت در حرفه یا رسیدن به هدف‌ها باید زبان انگلیسی را یاد بگیرم هرطور که باشد و به هر سختی هم شده راهش را پیدا می‌کنم و این زبان را یاد می‌گیرم، پیشرفت و رسیدن به اهداف محرک مهمی در یادگیری زبان انگلیسی هست و اکثر مواقع هم جواب می‌دهد" (کد ۳)

د) عوامل مداخله‌گر

الف) شرایط حاکم بر جامعه

فرهنگ یک جامعه که چقدر در آن آموختن و یادگیری زبان خارجی یک ارزش و علم تلقی می‌شود، وضعیت اقتصادی افراد برای سرمایه‌گذاری در زمینه آموزش زبان، جو سیاسی جامعه که

دیدنی مثبت یا منفی نسبت به کشورهای مبدا یک زبان و رابطه خوب سیاسی با این کشورها، باعث ایجاد جو و شرایطی در جامعه می‌گردد که فرایند آموزش و یادگیری زبان انگلیسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد: "در نظام آموزشی کشور ما یادگیری زبان با موانعی مواجه هست توی مدرسه که زمان برای آموزش واقعاً کم هست و از طرفی واقعاً تمام خانواده‌ها استطاعت مالی ندارند که بچه‌هایشان را بفرستند کلاس‌های آموزشگاه‌های خصوصی چون هزینه‌ها بالا هست و از نظر اقتصادی همه نمی‌توانند هزینه کلاس‌های آموزشگاه‌های زبان را تأمین کنند" (کد ۱۵). "من مقالات انگلیسی دارم و توی چندین کنفرانس خارجی هم مقالاتم پذیرش شده اما بدلیل یک سری مناسبات سیاسی نتوانستم ویزا بگیرم و بنابراین شرکت نکردم" (کد ۵).

ب) منابع و امکانات

یادگیری مطلوب زبان انگلیسی مستلزم وجود امکانات و تجهیزات مناسب است؛ باید منابع مالی برای تهیه امکانات فراهم گردد و این امکانات در تمام نقاط کشور و به صورت عادلانه توزیع گردد تا استعداد‌های افراد در نقاط مختلف کشور شکوفا گردد و مهم‌تر از همه استفاده از فناوری‌های نوین آموزشی به عنوان مکمل اساسی یادگیری سنتی است: "قطعاً باید امکانات حضور داشته باشد تا یک زبان‌آموز بتواند به سر منزل مقصود برسد، حتماً ویدئو پروژکتور لازم هست، حتماً آزمایشگاه زبان لازم هست، همه این امکانات باید دست به دست هم بدهند تا یک نتیجه مطلوبی ما داشته باشیم، که بعضاً شما می‌دونید در سطح شهر همه جا از این امکانات برخوردار نیست، شما مثلاً یک جای غیرانتفاعی را که شخصی هست و مدیر هزینه کرده و این را مجهز کرده به Language lab و همه امکانات آموزشی را مهیا کردند، ولی خب این فراگیر نیست، یعنی بصورت جامع و گسترده در جامعه ما نیست. وقتی که دبیر می‌خواهد روش‌های جدید را پیاده کند مثل CLT، باز یک سری امکانات نیاز دارد مثل ویدئو پروژکتور که بتواند از پاورپوینت استفاده کند یا امثال این، که متأسفانه امکانات نیست" (کد ۱۳).

ب) علاقه‌مندی و درک ضرورت زبان انگلیسی از طرف متولیان فرهنگی و آموزشی

اینکه متولیان فرهنگی و آموزشی چقدر ضرورت فراگیری زبان انگلیسی را درک کرده و علاقه‌مند هستند موضوع مهمی است: "ارگان‌های مربوطه کشوری وقت و سرمایه کافی برای شفاف کردن ضرورت یادگیری زبان انگلیسی صرف نمی‌کنند و بعضاً از این زبان با نام زبان بیگانه به جای زبان جهانی یاد می‌کنند، همین نامگذاری اشتباه می‌تواند زمینه‌ساز طرد شدن این علم از نظر بسیاری از زبان‌آموزان باشد" (کد ۲۲).

ج) رویکرد عمومی به زبان‌های خارجی

گرایش عمومی افراد، علاقه‌مندی آن‌ها و مطالبه برای فراهم آوری امکانات و شرایط مناسب عامل مهمی است: "ماها جزو معدود کشورهایی هستیم که زبان انگلیسی اصلاً در آن کاربردی ندارد

یعنی نه توی رسانه کاربردی دارد و نه اصلاً توی خارج از کلاس، شما وقتی که از کلاس خارج می‌شوید هیچکس را پیدا نمی‌کنید که انگلیسی با همدیگر صحبت کنید نه توی مغازه نه توی خیابان نه حتی جمع دوستان، خیلی کم اتفاق می‌افتد که چنین چیزی پیش بیاید" (کد ۹).

۵) راهبردها

به زعم Strauss, Corbin (۱۹۹۸)، پدیده محوری تحت تأثیر عوامل علی و در بستر عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر به ظهور کنش و برهم‌کنش‌هایی منجر می‌شود که با عنوان تاکتیک‌های راهبردی یا روزمره یا چگونگی مدیریت موقعیت‌ها و مسائل پیش‌رو توصیف می‌شوند.

الف) رویکرد ملی و فراملی به آموزش

اگر بپذیریم یکی از وظایف نظام آموزشی هر جامعه، آماده کردن فراگیران برای جامعه جهانی است باید برنامه‌های درسی هم با این رویکرد و تفکر ملی و فراملی تهیه شود و از ظرفیت‌های ملی حداکثر استفاده در این راستا گردد: "در هند و پاکستان مردم عادی هم به راحتی انگلیسی صحبت می‌کنند چون در کشورشان زبان انگلیسی خیلی جاها استفاده می‌شود اما در کشور ما اینطور نیست، برای کاربردی کردن بحث آزاد در کلاس خوبه، استفاده از تکنولوژی مثل این که معلم به بچه‌ها بگوید که به او ایمیل انگلیسی بزنند، فیلم ببینند و بیایند به انگلیسی تعریف کنند توی کلاس، داستان تعریف کنند به انگلیسی، ارتباط و مواجهه با توریست‌های خارجی و اینکه آموزش و پرورش از ارگان‌های دیگه علی‌الخصوص صدا و سیما کمک بگیرد و همکاری کنند برای آموزش زبان از طریق رسانه ملی" (کد ۳).

ب) بهبود زیرساخت‌ها

برای هر تغییر و توسعه‌ای فراهم‌آوری زیرساخت‌های مناسب و ترمیم زیرساخت‌های موجود از اهمیت زیادی برخوردار است، این موضوع مهم در قالب فراهم‌آوری امکانات، تهیه برنامه درسی مناسب، منابع آموزشی به روز و استاندارد، تربیت مدرسان توانمند و شناسایی نیازهای واقعی جامعه هدف از طرف متخصصان شرکت‌کننده در پژوهش، به خوبی شناسایی و تبیین شدند: "واضح است تسلط معلم بر هر زبانی که وی قصد آموزش آن را دارد از اهمیت بسزایی برخوردار است. این موضوع آن‌چنان برای تدریس در استرالیا مهم است که سازمان معلمان آنجا حاضر نبود تحت هیچ شرایطی هیچ یک از دیگر مدارک کسانی را که نمره زیر ۸ در آیلتس گرفته بودند حتی به‌طور مقدماتی بررسی کند. خیلی کوتاه بخوام خدمتان عرض کنم مطالعه کتاب‌های مختلف در حوزه آموزش زبان، تدریس در کلاس‌های مختلف و برنامه‌ریزی برای تدریس در این کلاس‌ها، دقت در فعالیت‌های آموزشی همکاران و یادگیری از تجارب آن‌ها، حضور در کارگاه‌های مربوط به آموزش زبان و بررسی و تجدیدنظر در روش‌های آموزشی خودم در کلاس‌های مختلف و

علاقه‌مندی به بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در امر آموزش زبان و تقویت دانش واژگانی و گرامری در حوزه زبان انگلیسی این‌ها مهم‌ترین عوامل می‌باشند" (کد ۱۸).

پ) ایجاد بینش جدید نسبت به زبان‌های خارجی

اگر این موضوع در بین افراد جامعه هم شهروندان عادی و هم سیاست‌گذاران و متولیان آموزشی و فرهنگی تبیین و نهادینه شود که فراگیری هر زبان به جز زبان مادری، یک علم، هنر و مهارت باارزش است و دریچه‌ای جدید و پل ارتباطی نوین در پیش روی افراد جامعه و به تبع آن گسترش ارتباط کشور با سایر کشورها و جوامع را به دنبال دارد: "اگر این فرهنگ و این بینش در کشور وجود داشته باشد که یادگیری یک زبان خارجی علم ارزشمندی هست و یک مهارت با ارزش تلقی می‌شود، گرایش به سمت یادگیری زبان‌های خارجی و نه فقط منحصراً زبان انگلیسی بین آحاد مردم جامعه بیشتر می‌شود و این فرهنگ و بینش را نهادهای فرهنگی و علمی با سازوکارهای حساب شده می‌توانند به وجود بیاورند، همان‌طور که گرایش به سمت سرگرمی‌های بی‌ارزش و بعضاً مخرب بین مردم و بخصوص جوان‌ها شایع شده پس امکان اینکه با برنامه‌ریزی حساب شده بتوان یادگیری زبان‌هایی غیر از زبان مادری بویژه زبان انگلیسی را یک موضوع مهم و به نوعی هم سرگرمی و هم مهارت در سبک زندگی افراد جامعه وارد کرد، قطعاً امکان‌پذیر هست" (کد ۵).

۶) پیامدها

تبیین مقوله‌های پیامدی نشان‌دهنده اثرات و پیامدهایی است که از فرایند یاددهی- یادگیری زبان انگلیسی، حاصل شده‌اند؛ در حقیقت پیامدها توضیح‌دهنده‌ی این موضوع هستند که مجموع عوامل علی و راهبردهای اتخاذ شده، به چه آثار و نتایجی منتهی می‌شوند؟

الف) تحقق دستاوردهای مورد انتظار از نظام آموزشی مطالعات فرسنگی از نظام‌های آموزشی انتظار می‌رود که دستاوردهایی را در زمینه‌های گوناگون فراهم آورند و دانش‌های جدید را توسعه بخشند: "استفاده از تجارب دیگر کشورها در عرصه‌های علمی، پژوهشی و سیاسی از تبعات توجه به آموزش زبان انگلیسی در کشور است، کتاب‌های دانشگاهی علمی عالی واقعاً جایشان خالی هست در جامعه دانشگاهی ما که برمی‌گردد به مهارت در زبان انگلیسی، اساتید حوزه‌های مختلف مثلاً کسی که شیمی می‌داند، می‌تواند کتاب‌های اورجینال را ترجمه کند اگر دانش زبانی قوی داشته باشند" (کد ۱۱).

ب) منابع انسانی با انگیزه و کارآمد

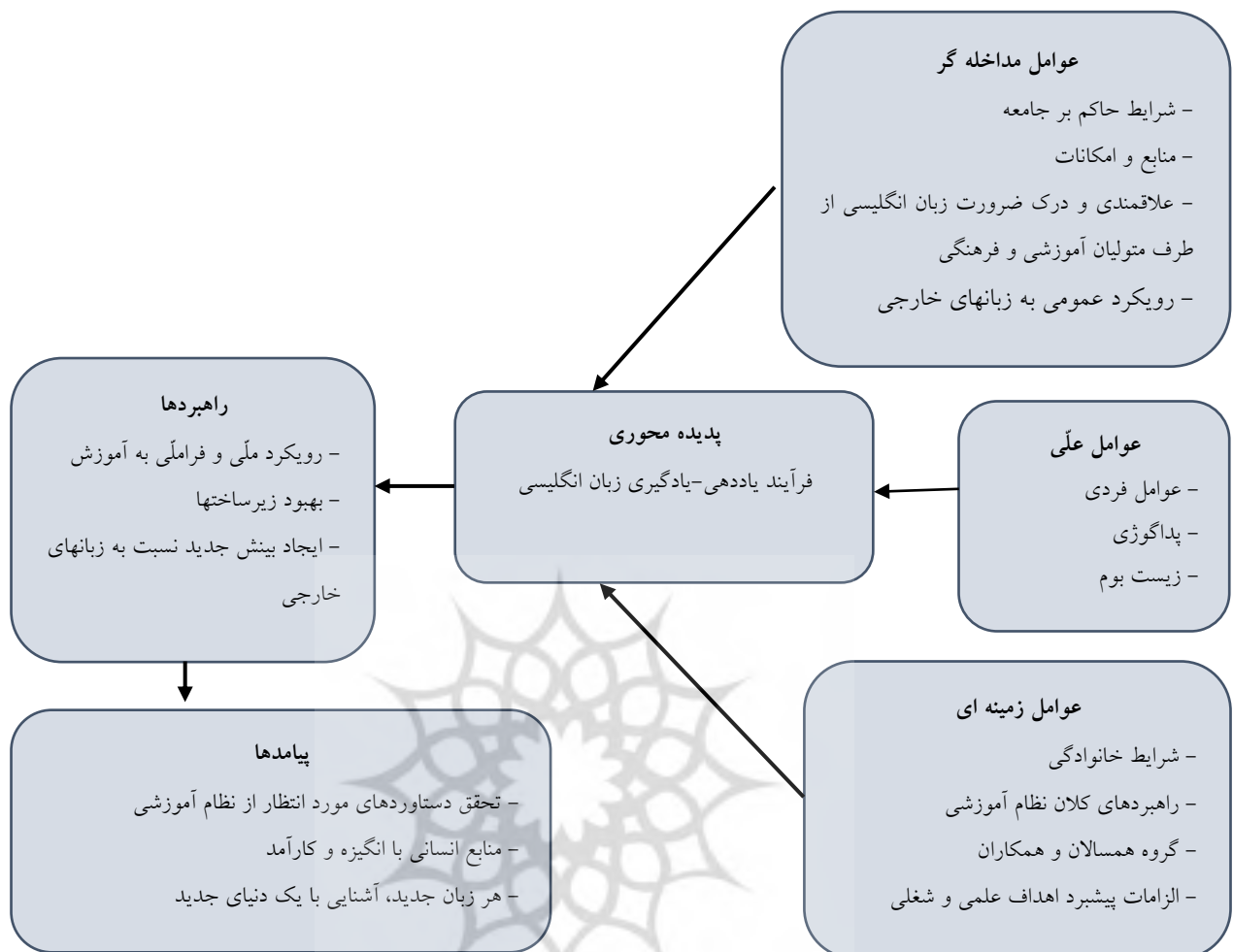
در دنیای جدید و با گسترش فناوری اطلاعات و به تبع آن فراگیر شدن ارتباطات جهانی یکی از شروط اساسی موفقیت افراد آشنایی به زبان جهانی است، یکی از ملاک‌های نیروی انسانی کارآمد

تسلط به ابزار زیستن در دنیای مدرن است تا بتواند با بهره‌گیری از فرآورده‌های علمی، تکنولوژیکی، هنری و ورزشی در سراسر جهان آگاهی خود را به روز کرده و نیروی با انگیزه، آگاه و توانمند برای جامعه خود و جامعه جهانی محسوب گردد و خود نیز احساس رضایت و اعتماد به نفس نماید: "زبان انگلیسی به عنوان یک زبان بین‌المللی یک پل ارتباطی هست، یک فرد چطور با علم و تخصص خودش ارتباط برقرار کند جز اینکه باید با ساخت زبان انگلیسی، واژه‌های زبان تخصصی یا فنی آشنا باشد، نمی‌توانیم زبان تخصصی را ندید بگیریم، یک دانشجوی رشته مکانیک یا نفت یا پلیمر اگر بخواهد یک مقاله علمی پژوهشی دانلود کند که به زبان انگلیسی هست، باید بداند این ترم‌های تخصصی چی هست؟ راجع به نفت چه می‌گوید؟، تمام اینها با زبان انگلیسی حل است، یعنی منهای زبان انگلیسی ما چطور می‌توانیم ارتباط برقرار کنیم با دنیای امروز با مقالات علمی پژوهشی امروز، یک دانشجوی دوره پزشکی چطور می‌خواهد آن مقالات پزشکی به روز و آپدیت و امروزی را بررسی و مطالعه کند جز اینکه باید خیلی مسلط باشد به زبان انگلیسی" (کد ۱۲).

پ) هر زبان جدید، آشنایی با یک دنیای جدید

افراد مختلف در سراسر جهان با فرهنگ‌ها، اعتقادات و آداب و رسوم مختلف زیست می‌کنند و زبان یکی از بارزترین مؤلفه‌های فرهنگی هر گروه است که دریچه‌ای به سمت شناخت آن گروه محسوب می‌گردد: "هر ملتی مجموعه‌ای از فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و سبک زندگی دارند که آشنایی با این‌ها جذاب هست، اگر بتوانید با فردی در آن سر کره زمین ارتباط برقرار کنید و با اندیشه‌ها و فرهنگ‌های مختلف آشنا شوید این یک حالت خردمندی و انعطاف ذهنی به آدم می‌دهد و دیگر فرد محدود و تک بعدی نمی‌ماند، این موضوع مسأله جذابی هست و شناخت افراد را ارتقاء می‌دهد، تحقق این موارد مستلزم تسلط به زبان بین‌المللی هست" (کد ۲۷).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نمودار ۱- الگوی داده بنیاد فرایند یاددهی- یادگیری زبان انگلیسی در نظام آموزشی ایران

بحث و نتیجه گیری

یکی از ابزارهای مهم پیشرفت کشورهای مختلف، نگرش و رویکرد نظام آموزشی آن‌ها به جریان تعلیم و تربیت در بستر تحولات جهان پیرامون هم در حوزه ملی و هم در شرایط جهانی است؛ این‌که کشورها در این زمینه چه روش‌هایی را اتخاذ و چه نتیجه‌هایی را کسب کرده‌اند، به‌عنوان یک مزیت رقابتی در ارتباط با سایر کشورها محسوب می‌شود. تجهیز فارغ‌التحصیلان نظام آموزشی و سایر ذینفعان از جهات مختلف، توان رقابت علمی با سایر کشورها، توانایی کسب و درک دانش و ارزش‌های سایر ممالک و صدور ارزش‌ها، فرهنگ‌ها و پیام خود به جهانیان، مستلزم فراهم کردن شرایط و اسبابی است که این روند را تسهیل بخشیده و کارساز باشد. یکی از مهمترین این لوازم،

توجه به زبان‌های زنده دنیا به‌ویژه زبان مشترک جهانی یعنی زبان انگلیسی است تا از این مسیر، توان ارتباط مستقیم و بدون واسطه با جهانیان افزایش یافته و رسالت نظام آموزشی در این زمینه تحقق یابد؛ چرا که نگاه عمیق و ریشه‌ای به وضعیت زبان انگلیسی در کشور ما بیشتر از هر چیز متوجه نظام آموزشی کشور است. فهم اهمیت نظام آموزشی در زمینه‌ی ارتباط افراد در جامعه محلی، ملی و بین‌المللی به‌عنوان لایه‌هایی مرتبط به هم و غیرقابل تفکیک، بر جهت‌دهی و توسعه‌ی چشم‌انداز و راهبردهای تعیین شده در رابطه با بهبود نظام ارتباطی بر پایه گفتگو و استفاد از زبان می‌افزاید. باور ما این است که برنامه‌ریزی در راستای تقویت هویت ملی و عزت نفس همراه با گسترش قدرت ارتباطی با سایر ملل، منافاتی با هم ندارند؛ با این شرط که متخصصان حوزه آموزش، زبان‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و سایر علوم مرتبط، با همفکری و استفاده از منابع غنی علمی و فرهنگی در این رابطه و با دیدی باز و آگاه، به تدوین برنامه جامع آموزش زبان‌های خارجی؛ من جمله زبان انگلیسی در نظام آموزشی کشور اقدام نمایند. در همین راستا، در پژوهش حاضر سعی شد تا الگوی داده‌بنیاد فرآیند یاددهی- یادگیری زبان انگلیسی بر مبنای الگوی پارادایمی اشتراوس و کوربین در مسیر گردآوری و تحلیل داده‌ها نشان داده شود. پژوهش حاضر تلاش نمود تا با ارائه مدلی جامع از فرآیند آموزش و یادگیری زبان انگلیسی در نظام آموزشی کشور، نگرشی جامع به پژوهشگران، مدرسان زبان انگلیسی و از همه مهم‌تر به تصمیم‌سازان و سیاستگذاران نظام آموزشی کشور در زمینه ابعاد و رویکردهای مختلف آموزش زبان انگلیسی در نظام آموزشی ارائه کند.

نتایج مصاحبه با خبرگان در این پژوهش نشان داد که یقیناً تحقق رویکرد مناسب در روند آموزش و یادگیری زبان انگلیسی در نظام آموزشی ایران، مستلزم شرایط و لوازم پیچیده‌ای است که هماهنگی و ارتباط چندجانبه عوامل مختلفی را می‌طلبد. نیازهای متنوع زبان‌آموزان در رده‌های سنی و تحصیلی مختلف با اهداف خاص خود و همچنین تهیه مقدمات و شرایط مناسب آموزش زبان خارجی در کشوری مانند ایران که هنوز زبان انگلیسی را به عنوان زبان دوم خود نپذیرفته است و به‌واسطه‌ی شرایط اجتماعی و سیاسی ویژه خود، نگاهی خوشبینانه به زبان انگلیسی وجود ندارد، برنامه‌ریزی جامع و گسترده‌ای را می‌طلبد که در این پژوهش به طور کلی و با بهره‌گیری از نظرات متخصصان آموزش زبان انگلیسی به آن پرداخته شده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، فرآیند یاددهی- یادگیری زبان انگلیسی در پرتو و تحت‌تأثیر ترکیبی متنوع از عوامل علی شکل می‌گیرد، که متأثر از عوامل انسانی و شرایط محیطی به عوامل «فردی و پداگوژی» تقسیم می‌شود. در گام اول به ویژگی‌های شخصیتی زبان‌آموز پرداخته شده است؛ تعیین این موضوع که فرد برای یادگیری زبان دارای اهداف و انگیزه‌ای مشخص باشد موضوع مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد؛ انگیزش به‌عنوان دلایل شخصی و ذهنی فرد برای دستیابی به هدفی مانند یادگیری زبان انگلیسی عاملی بسیار مهم و اثرگذار است، یافته‌های پژوهش Brawn (۲۰۰۴)؛

و (۲۰۰۳) Muraven, Slessareva؛ (۲۰۰۶) Fleurquin, McLaughlin & Yamshiro؛ و (۱۹۹۷) Gardner, Tremblay, Masgoret نیز این موضوع را تایید می‌کنند که اولین عامل در یادگیری زبان انگلیسی انگیزش فرد است. از طرف دیگر نگرش فرد به یادگیری زبان انگلیسی نیز بسیار مهم است؛ این که باور داشته باشد که یادگیری زبان انگلیسی در دنیای فعلی چقدر لازم است و تا چه اندازه برای رسیدن به اهداف و تحقق رؤیاهای فردی و اجتماعی کارساز است و این که فرد چقدر توانایی در خود سراغ دارد که به سمت یادگیری زبان برود، گاهی یادگیری یک مهارت آن‌چنان برای فرد دست‌نیافتنی جلوه می‌کند و یا آن را بیهوده و بدون کاربرد تلقی می‌کند که تلاشی نیز برای یادگیری آن از خود نشان نمی‌دهد و تا جایی که شرایط به او اجازه دهد و اختیار داشته باشد از آن فرار می‌کند. یافته‌های پژوهش شیربیگی و عزیزی (۲۰۱۰) هم‌راستا با یافته‌های این پژوهش، به این موضوع مهم اشاره می‌کنند که عقاید شخصی فرد راجع به یک موضوع به‌عنوان مؤلفه شناختی و احساس مثبت یا منفی که نسبت به آن دارد به‌عنوان مؤلفه عاطفی و همچنین قصدهای رفتاری یا رفتار واقعی فرد نسبت به موضوع به‌عنوان مؤلفه کرداری، تعیین‌کننده‌ی نگرش افراد نسبت به یک مسأله‌ی مشخص مانند یادگیری زبان انگلیسی است.

اما فارغ از انگیزه و علاقه شخصی، گاهی اوقات تلاش‌های زبان‌آموز برای موفقیت در یادگیری زبان انگلیسی در نتیجه سخت‌گیری‌های بی‌مورد و زیاد مدرسان و قرار گفتن در معرض روش‌های اشتباه و غیرعلمی آموزش، با شکست مواجه شده است و همین مسأله ممکن است شرایطی ایجاد کند که زبان‌آموز به «درماندگی آموخته شده» دچار شود و تصور کند که هیچگاه زبان را نمی‌آموزد و به‌طور کل استعداد زبان‌آموزی ندارد؛ این موارد و همچنین شرایطی مانند این که برخی از زبان‌آموزان به لحاظ ویژگی‌های شخصیتی مانند خجالتی بودن و درون‌گرایی بیش از حد، برای ارتباط و صحبت کردن به زبان انگلیسی که لازمه‌ی یادگیری و عمق‌بخشی به دانسته‌ها است، دچار مشکل هستند و همچنین نداشتن مهارت‌های صحیح یادگیری نیز مزید بر علت می‌شود که یادگیری صحیح اتفاق نیفتد. به‌طور کلی، این سطح یعنی ویژگی‌های فردی زبان‌آموز مبین اصول رایج و معمولی است که در خلاء آن یادگیری اتفاق نمی‌افتد، زبان‌آموز با مهارت‌ها و ویژگی‌های ذاتی و اکتسابی خود می‌تواند کمک شایان توجه‌ای در خلق موقعیت‌های یادگیری کند و به خودش در رسیدن به اهداف یاری رساند. اما فارغ از نقش مهم ویژگی‌ها و ذهنیت‌های شخصی، شرایط و امکانات آموزشی مناسب و استاندارد نیز از ملزومات و لوازم مهم یادگیری و آموزش هدفمند و مؤثر زبان انگلیسی است. شرایط و لوازم که از آن به‌عنوان متغیرهای محیطی یاد می‌کنند و به منابع و امکانات آموزشی، مدرس و جو آموزشی تفسیم می‌شوند در کنار ویژگی‌های شخصیتی یادگیرنده و رفتارهای او، از عوامل بسیار مهم و اثرگذار بر فرآیند یاددهی - یادگیری زبان انگلیسی در کشورهایی با زبان‌های مادری مختلف است. به باور پژوهشگران بسیاری مانند (۲۰۱۹) Vattøy؛ (۲۰۱۷) Sucuoglu؛

Pourhossein Gilakjani (۲۰۱۲) و Rasskazova, Guzikova, Green (۲۰۱۷) بیشتر دانش‌آموزان و دانشجویان به تنهایی نمی‌توانند مسئولیت یادگیری خود را بر عهده بگیرند و به اندازه کافی تجربه یادگیری ندارند که بتوانند به صورت خودآموز و بی‌نیاز از هدایتگر آموزشی تسلط به زبان انگلیسی را کسب کنند؛ بنابراین نقش معلم‌ها و تسلط و شیوه آموزش آن‌ها و همچنین آگاهی از استفاده به موقع و حساب شده از بازخوردهای مناسب و به موقع، استفاده از منابع و محتوای آموزشی جذاب و توجه به تفاوت‌های فردی زبان‌آموزان و تقویت انگیزه آن‌ها غیرقابل انکار و چشم‌پوشی است و بدون توجه به این رکن مهم، آموزش و یادگیری زبان انگلیسی به صورت مطلوب محقق نمی‌شود؛ در یک نظام تعلیم و تربیت پاسخگو، معلم به عنوان هدایت‌گر و تسهیل‌گر آموزشی نقش مهمی در تقویت یا تضعیف بنیه‌ی علم زبان انگلیسی دانش‌آموزان دارد، معلمان با تسلط و شناخت بر سبک‌های مختلف یادگیری و تعصب نداشتن روی یک شیوه و روش خاص برای آموزش همه‌ی زبان‌آموزان با روحیات و تجربیات متفاوت و همچنین سطح‌های مختلف از نظر تسلط به زبان انگلیسی، به خوبی زبان‌آموزان را پشتیبانی کرده و کمک می‌کنند که هر زبان‌آموز به نسبت خودش پیشرفت و رشد در آموزش زبان را احساس کند؛ ضمن اینکه یک معلم متبحر و حرفه‌ای به زبان‌آموز کمک می‌کند تا سبک یادگیری خود را بشناسد و برحسب شخصیت و ویژگی‌های خود، به یادگیری مفید اتمام ورزد؛ مانند این که یک دانش‌آموز با خواندن و صحبت کردن، یکی با سخنرانی کردن و دیگری با فیلم دیدن یا یکی با شنیدن و سایر روش‌ها، سطح زبانی خود را بهبود بخشد، رفتار و عملکرد مطلوب مدرسان به قدری مهم است که می‌تواند ویژگی‌های فردی زبان‌آموز مانند انگیزش، نگرش و مهارت‌های یادگیری او را نیز تحت‌تأثیر خود قرار دهد.

مورد دیگر امکانات و تجهیزات لازم برای آموزش و یادگیری زبان انگلیسی با رویکردها و روش‌های نوین آموزشی است که بیشتر از هر چیز بر به‌کارگیری حواس چندگانه زبان‌آموز و همچنین استفاده از رویکردهای ارتباطی تأکید دارند؛ در فرآیند تدریس و آموزش، نقش حواس بسیار پررنگ است و لازم است که مدرسان در به‌کارگیری حواس زبان‌آموزان برای یادگیری عمیق‌تر اهتمام ویژه داشته باشند. در فرآیند استفاده از حواس چندگانه در آموزش، اطلاعات از راه حافظه حسی به حافظه کاری انتقال می‌یابد و سپس با تکرار و مرور، اطلاعات به حافظه بلندمدت انتقال یافته و یادگیری صورت می‌گیرد؛ در نتیجه استفاده از حواس باعث می‌شود که زبان‌آموزان مطالب آموخته شده را برای مدت بیشتری در حافظه نگهدارند و هرچه که حواس بیشتری در یادگیری درگیر باشد یادگیری با عمق و موفقیت بیشتری صورت خواهد گرفت (پیش‌قدم و ابراهیمی، ۲۰۱۹)؛ به زعم Herring, Koehler, Mishra (۲۰۱۶) استفاده از تکنولوژی ارتباطات با کمک به مدرسان در نظام‌های آموزشی می‌تواند یادگیری را تسهیل بخشیده و به توسعه دانش کمک شایان و محسوسی بکند. اما تحقق این ضرورت از طرف مدرسان، نیاز به وجود تجهیزات و امکانات آموزشی ویژه‌ای

مانند لپ‌تاپ، ویدئوپروژکتور، اسپیکر و قلم نوری دارد تا بتواند حواس چندگانه زبان‌آموزان را در آموزش زبان انگلیسی به کار گیرند. استفاده از تجهیزات آموزشی مناسب و بهره‌گیری از رویکردها و نظریات جدید آموزش زبان انگلیسی مانند CLT، CALL و... در تقابل با روش سنتی آموزش زبان انگلیسی است که در آن معلم به‌عنوان متکلم وحده صحبت می‌کند و مقداری قواعد و کلمه را به زبان‌آموزان ارائه می‌دهد؛ نه جذابیتی برای زبان‌آموز دارد و نه اینکه یادگیری عمیق و واقعی صورت می‌گیرد و پس از مدتی مطالب به کل از حافظه زبان‌آموز پاک می‌شود. باید در نظر داشته باشیم که ویژگی ذاتی زبان، رشد و تحقق در بستر تعاملات و ارتباط است و انتظار رشد زبان در محیط بسته کلاس و به روش سنتی، انتظاری دور از واقعیت است که به نظر می‌رسد صرفاً در حد تدریس و تمام شدن کتاب باقی می‌ماند، بدون این‌که زبان‌آموزان بهره‌ای مفید و مثمر از کلاس و معلم برده باشند.

همه موارد بیان شده در حوزه امکانات آموزشی، برنامه درسی زبان، تحقق ویژگی‌های حرفه‌ای و شخصیتی مدرسان، تدوین آئین‌نامه ارزشیابی استاندارد زبان انگلیسی و مواردی از این دست، همگی در ساحت سیاست‌گذاری و تدوین اسناد عالی آموزشی تحقق پیدا می‌کند؛ به بیان دیگر برنامه‌ریزی کلان و سیاست‌گذاری آموزشی در قالب اسناد لازم‌الاجرا، می‌تواند راهگشا و روشنگر مسیر آموزش زبان انگلیسی در نظام آموزشی با تمام شرایط و مختصات لازم باشد. به زعم حسینی-خواه و همکاران (۲۰۱۴) در کشوری مانند سوئد که از لحاظ آموزش زبان انگلیسی در زمره یکی از کشورهای موفق در این زمینه شناخته می‌شود، ایجاد هرگونه تغییر و تحول در حوزه عمل تربیتی، از اسناد بالادست به‌ویژه قوانین ملی آموزش و پرورش، برنامه درسی ملی، و برنامه‌های درسی موضوعی آغاز می‌شود. قدرت اجرایی این اسناد بسیار زیاد است و در سریع‌ترین زمان ممکن بر اسناد و منابع پایین دست تأثیر می‌گذارند. لیکن این نظم سلسله‌مراتبی و سرعت عمل در نظام آموزشی و درسی ایران دیده نمی‌شود. مسلم است که حوزه عمل نیاز به پشتیبانی نظری دارد و ایجاد تحول در حوزه عمل آموزش زبان، منهای ایجاد تحول در حوزه نظر (برنامه درسی) برابر با بازده ناچیزی خواهد شد و آن‌هم بنیه ضعیف و ناتوانی دانش‌آموزان ایرانی در برقراری ارتباط به زبان انگلیسی است. در همین راستا، منعکس کردن اهمیت یادگیری زبان انگلیسی در عالی‌ترین اسناد کشوری باید یکی از اقدامات اساسی باشد. متأسفانه در اسناد عالی کشور ایران تنها این دو مورد یافت شده است؛ «دولت موظف است اصلاحات لازم را در زمینه‌های آموزشی و درسی و تعمیق و بهبود آموزش ریاضی، علوم و زبان انگلیسی انجام دهد» (قانون برنامه چهارم توسعه، ۱۳۸۴: ماده ۵۲، بند دال) و «یکی از ابعاد ایجاد تحول در نظام تربیت رسمی و عمومی کشور، افزایش سطح تسلط فراگیران به زبانهای خارجی (ویژه عربی و انگلیسی) است» (سند تحول راهبردی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰: ۹۲). تبیین این ضرورت در حالی است که به باور پژوهش‌گرانی مانند علوی‌مقدم

و خیرآبادی (۲۰۱۲) در نظام آموزشی ایران فقدان سیاست‌گذاری‌های کلان و ملی در حوزه آموزش زبان انگلیسی، به تشریح آراء، غلبه نگاه سلیقه‌ای و سوگیری در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی‌ها منجر شده است. تا زمانی که چشم‌انداز زبان‌های خارجی در نظام آموزشی مشخص نباشد و افق واقع-بینانه‌ای بر اساس وضعیت موجود و اهداف پیش‌رو برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان آموزشی کشور در رابطه با آموزش زبان انگلیسی متصور نباشد، در خلاء سیاست‌های مدون همچنان شاهد تغییرات مقطعی و غیراصولی هم‌زمان با تغییر مدیران با رویکردها و سلیقه‌های متفاوت خواهیم بود. در پایان پیشنهاد می‌گردد مدیران و برنامه‌ریزان نظام آموزشی ضمن در نظر گرفتن عوامل تبیین شده در این پژوهش، بسترسازی و برنامه‌ریزی مناسب برای آموزش زبان انگلیسی در سطوح مدرسه، دانشگاه و آموزشگاه‌های خصوصی را مورد اهتمام و توجه قرار دهند. همچنین به پژوهش‌گران پیشنهاد می‌گردد که به تفصیل در مورد هر کدام از ابعاد تبیین شده در این پژوهش در خصوص آموزش زبان انگلیسی در نظام آموزشی ایران، به تحقیق و بررسی همت گمارند.



منابع

- Ababaf, Z. (2019). Pedagogical Perspectives as Inspirational Horizons in Higher Education Curriculum. *Journal of higher education curriculum studies*, 10(19), 171-193. [Persian].
- Afzalkhani, M., & Lawwaf, R. (2013). Recognizing the obstacles of utilizing teaching methods based on information technology regarding the perspectives of high school teachers in Semnan province. *International Research Journal of Applied and Basic Sciences*, 6(7), 942-949.
- Aghagolzadeh, F. & Davari, H. (2014). Iranian Critical ELT: A Belated but Growing Intellectual Shift in Iranian ELT Community. *Journal for Critical Education Policy Studies*. 12 (1). [Persian].
- Ahmad, S. Z. (2016). The Flipped Classroom Model to Develop Egyptian EFL Students' Listening Comprehension. *English Language Teaching*, 9(9), 166.
- Ahmadi, Kh., Ranjdoust, Sh. & Azimi, M. (2020). Explaining the Experience of Education and Training and English Language Education Specialists for teaching English in the first grade of high school. *Research in Curriculum Planning*, 17(64), 91-102. [Persian].
- Ahmadi Safa, M., Ghonche poor, A., Malek Mohamadi, R., Seifi, Z., Zekrati, S. (2017). Prospect II: A Textbook Evaluation Study based on EFL Teachers' Perspective. *Journal of Language Research*, 9(24), 7-32. [Persian].
- Alavimoghaddam, S.B., & Kheirabadi, R. (2012). Critical Review of National Curriculum in the field of Foreign Language Teaching. *Journal of Curriculum Studies (J.C.S.)*, 7(25), 27-44. [Persian].
- Alha beeb, A., & Rowley, J. (2018). E-learning critical success factors: Comparing perspectives from academic staff and students. *Computers and Education*, 127, 1-12.
- Al-Harbi, S. S., Alshumaimeri, Y. A. (2016). The Flipped Classroom Impact in Grammar Class on EFL Saudi Secondary School Students' Performances and Attitudes. *English Language Teaching*, 9(10), 60-80.
- Alfaki, I. M., & Khamis, A. H. A. (2018). Difficulties facing teachers in using interactive whiteboards in their classes. *Journal of Educational and Social Research*, 1(2), 110-120.
- Behroozi, M., Amozegar, A. & Alipoor, Y. (2014). A Pathological Study on English Course Curriculums: High School Instructors' and Students' Insights Scrutinized. *Journal of New Approaches in Educational Administration*, 5(18), 125-142. [Persian].
- Borjian, M. (2013). *English in Post-Revolutionary Iran*. Bristol: Multilingual Matters.
- Brown, D. (2007). *Principles of language learning and teaching*, (5th Ed.). NY: Pearson Education.
- Brawn, R. A. (2004), *Motivation for Learning English among Japanese University Students*, Retrieved December 18, 2008, from: <http://www.bunkyo.ac.jp/faculty/lib/slib/kiyo/inf/if31/if3101.pdf>
- Creswell, J. (2012). *Qualitative Inquiry and Research Design: Choosing Among Five Approaches*. (3rd Ed). SAGE Publication, Inc.
- Crompton, H. (2017). Moving toward a mobile learning landscape: presenting a mlearning integration framework. *Interactive Technology and Smart Education*, 14(2), 97-109.
- Dörnyei, Z., Ushioda, E. (2013). *Teaching and Researching: Motivation*, (2nd Ed), London: Routledge.
- Farhady, H., Sajadi Hezaveh, F., Hedayati, H. (2010). Reflections on Foreign Language Education in Iran. *TESL-EJ*. 13(4). Online at <http://www.tesl-ej.org/wordpress/issues/volume13/ej52/ej52a1/> accessed 20 Jun 2013.

- Fleurquin, F., McLaughlin, J. W., Yamshiro, A. D. (2006). *The Michigan Guide to the ECCE, Volume 1: Developing High-Intermediate Competence in English*: University of Michigan Press/ESL.
- Gardner, R. C., & Tremblay, P. F., & Masgoret, A. (1997). Towards a Full Model of Second Language Learning: An Empirical Investigation. *The Modern Language Journal*, 81(3), 344-362.
- Ghashmardi, M. (2010). Inclusive theoretical foundations in teaching methods foreign language. *Language Related Research*, 2, 135-148. [Persian].
- Ghanbari, S., & Sultanzadeh, V. (2018). Improving the quality of teaching in the light of evaluation of professors; A reflection on students' perspectives. *Teaching and Research*, 6 (2), 15 - 31. [Persian].
- Gholami, F., Arefi, M., Fathi Vajargah, K., Abolghasemi, M. (2017). Challenges of Teaching English in Iran's Educational System: The Educational Managers' and English Teachers' Views. *Journal of New Approaches in Educational Administration*, 8(30), 161-194. [Persian].
- Ghorbani, M. (2019). Comparing the Role of Schools, Private Language Institutes, and Technology-oriented Self- study in EFL Learning. *Research in Teaching*, 7(4), 106-92. [Persian].
- Herring, M. C.; Koehler, M. J. & Mishra, P. (2016). *Handbook of Technological Pedagogical Content Knowledge (TPACK) for Educators*. (2nd Edition). London: Routledge Company.
- Hosseini F. S. (2006). *Assessing the skills of trained teachers in using information and communication technology in Rafsanjan city*. Master's Thesis, Shahid Bahonar University of Kerman. [Persian].
- Hosseini Khah, A., Mehrmohammadi, M., Fardanesh, H. & Akbari, R. (2014). A Comparative Study of Iraian and Swedish English Curriculum. *Journal of Curriculum Studies*, 8(31), 7-46. [Persian].
- Jayashree, R. (2017). A Study on Innovative Teaching Learning Methods for Undergraduate Students. *International Journal of Humanities and Social Science Invention(IJHSSI)*, 6 (11), 32-34.
- Jeon, M. (2019). Native-English speaking teachers' experiences in East-Asian language programs. *System*, Volume 88(2020), 1-11.
- Kalantari, R., Gholami, J. (2013). Identifying and prioritizing factors influential on English language teaching at public schools. *Educational Innovations*, 12(2), 99-124. [Persian].
- Kalyani, D., & Rajasekaran. K. (2018). Innovative teaching and learning. *Journal of Applied and Advanced Research*. 3(Suppl. 1) S23, S25.
- Kheirabadi, R. (2017). The impact of flipped classroom model on teaching English grammar at 10th grade of high school. *Educational Innovations*, 16(4), 141-162. [Persian].
- Kheirabadi, R. & Alavimoghaddam, S. B. (2019). Opportunities and challenges of teaching English as a foreign language in Iran. *Foreign Language Research Journal*, 9(1), 53-70. [persian].
- Khezri, A., Marzoghi, R., Jahani, J. & Razmjoo, S.A. (2019). Designing an Evaluation Framework of English Language Curriculum in Secondary Schooling of Islamic Republic of Iran. *Research in Curriculum Planning*. 16(35):147-161. [persian].
- Maghsoudi, M. (2021). Qualitative Pathology of English Language Teaching in Iranian schools. *Educational and Scholastic studies*, 9(4), 215-240. [Persian].
- Mahmoodi, M., Ahmadi Safa, M. (2014). A Model-Based Evaluation of English for Specific Purposes (ESP) Books. *Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences*, 14(32), 113-133. [Persian].

- Mahmoodi, M., Moradi, M. (2015). Qualitative Critique and Evaluation of English for Schools (Prospect 1) with an Emphasis on Foreign Language Teaching Methodology. *Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences*, 15(36), 179-196. [Persian].
- Manakil, J., & George, R. (2017). Mobile learning practices and preferences a way forward in enhancing dental education learning experience. *European Journal of General Dentistry*, 6(1), 22.
- Mohammad Pour, A. (2013). *Qualitative research method of anti-method (2): (Practical steps and procedures in qualitative methodology)*. Tehran: Publications of Sociologists. [Persian].
- Moradjoz, R., Ketabi, S., Tavakoli, M. (2018). The Effect of English Vocabulary Teaching with Pedagogical Cartoons Supplemented by Interlingual Interpretation on the Learning Amount of Iranian Language Learners. *Journal of Research in Teaching*, 6(3), 83-94. [Persian].
- Murali, M. (2009). Teaching English as a second in India –a review. *MJAL*, 1 (1), 1-12
- Muraven, M. & Slessareva, E. (2003). Mechanisms of Self-Control Failure: Motivation and Limited Resources. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 29(7), 894-906.
- Pishghadam R, & Ebrahimi S. (2019). Teaching Grammar Revisited: An Introduction to Applicative Teaching. *Language Related Research*, 10 (5), 101-127. [persian].
- Pourhossein Gilakjani, A. (2012). Visual, Auditory, Kinaesthetic Learning Styles and Their Impacts on English Language Teaching. *Journal of Studies in Education*, 2(1), 104-113.
- Rahimi, M., & Nabilou, Z. (2008). Globalization and EFL Curriculum Reform in Iran: Challenges and Opportunities. *Technology of Education Journal (TEJ)*, 3(1), 17-26. [Persian].
- Rasskazova, T., Guzikova, M., & Green, A. (2017). English language teacher development in a Russian university: Context, problems and implications. *Ampersand*, 4(2017), 1-9.
- Razmjoo, A., & Riazi, A. (2006). On the teaching methodology of Shiraz EFL institutes. *Journal of Social Sciences and Humanities of Shiraz University*, 23(1), 58-70. [Persian].
- Shirbagi, N., Azizi, N. (2010). Investigating the motivation and attitude of two samples of Iranian students towards learning English. *Iranian Higher Education*, 3(1), 79-101. [Persian].
- Soleimani, B., Aliasgari, M., Hosseinikhah, A. (2019). Homeschooling; Missing circle in Iranian educational system. *Journal of Research in Teaching*, 6(4), 188-208. [Persian].
- Soodmand Afshar, H., Ranjbar, N., yousefi, M., & Afshar, N. (2018). A Qualitative Analysis of Prospect Series and Vision 1 from Intercultural and Metacultural Communicative Competence Perspectives. *Educational Measurement and Evaluation Studies*, 8(21), 107-139. [Persian].
- Strauss, A. L. & Corbin, J. M. (1998). *Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques* (2nd ed.). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Sucuoglu, E. (2017). Analysis of motivational strategies used by English language teachers teaching at secondary schools. 9th International Conference on Theory and Application of Soft Computing, Computing with Words and Perception, ICSCCW 2017, 22-23 August 2017, Budapest, Hungary.
- Taherkhani, R., Afzali Mir, S., Malmir, A., Mosalsal, A., Montazeri, Z. (2017). The Study and Review on the New Book: "English for 10th Degree of High School Students" A National Survey. *Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences*, 17(7), 77-91. [Persian].
- Tulung, G. (2020). English language mastery as an ease factor to access health information in industrial revolution 4.0: A local challenge for global opportunities. *Enfermería Clínica*, 31(3), 218-221.

- Vattøy, K. (2019). Teachers' beliefs about feedback practice as related to student selfregulation, self-efficacy, and language skills in teaching English as a foreign language. *Studies in Educational Evaluation*, 64(2020), 1-10.
- Xiao, Y., & Yang, M. (2019). Formative assessment and self-regulated learning: How formative assessment supports students' self-regulation in English language learning. *System*, 81, 39-49.
- Yousefi, N., Ebadi, S., Ahmadnejad, M. (2016). Investigating the motivation to enter the profession and the factors affecting the motivation of Iranian English teachers. *Research in Teaching*, 4(1), 93-119. [Persian].



Extended Abstract

Introduction of an Executive Model of Teaching and Learning English in the Iranian Education System

Hoda Sadat Mohseni¹, Zahra Pakbaz², and Parvin Samadi³

In our contemporary world, knowing English, as a global language, is a necessity because it allows people across the world to share their experiences and keep themselves up to date with the latest developments in the world. The expansion of communication between different countries, on the one hand, and the development of mass media and the emergence of the concept of 'global village', on the other hand, highlight the need for learning English, as a lingua franca, to communicate with other people and communities in the world more than ever before. Therefore, since this global language facilitates interaction with the world, learning English has been identified as a major priority by many people across the world. This necessity is most noticeable in educational centers. However, various studies have shown that most students in Iran are not able to use English correctly or establish a simple communication in English though they spend many hours in school learning English. Similar to school students, university students are not able to communicate in English, and the status of English among university students is as unfavorable as is among school students. Despite the fact that English is the dominant language in various fields of science, most students in various fields of study do not pay enough attention to learning English. Although English language teaching in Iran officially begins at school, it seems that pupils have difficulty learning and using it effectively. Basically, there is a big gap between what is and what should be. Therefore, the present study aimed to introduce an executive model, informed by English language teaching experts, for improving English language teaching in the Iranian education system. Undoubtedly, examining the situation of English language teaching in a country as large as Iran with more than fourteen million school students and nearly four million university students is of great significance and can cast light on some important and practical issues surrounding language learning and teaching. English is mentioned in the national curriculum of Iran and is referred to as one of the eleven areas of education and learning.

The present study, as an applied research, adopted a qualitative approach to study the English language teaching and learning in the Iranian education system using a data-driven method. This study, by adopting an exploratory (inductive) approach, sought to develop and introduce a data-driven model. Since the existing models and theories offer no convincing explanation for the current situation of English language teaching and learning in Iran, this study aimed to bridge this gap by exploring English language

1. Assistant professor, Department of Educational Administration and Planning, Faculty of Education and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran (Corresponding Author) (sadatmohseni@alzahra.ac.ir)
2. PHD Student in Educational Administration, Department of Educational Administration and Planning, Faculty of Education and Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran (z.pak313@yahoo.com)
3. Associate professor, Department of Educational Administration and Planning, Faculty of Education and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran (Psamadi@alzahra.ac.ir)

teaching and learning in the Iranian education system. The study population included English language instructors at three levels, including school, university, and private English language institutes. Accordingly, a reference and specific group of 27 teachers who, according to administrators, language learners, and language learners' parents, had considerable skill and expertise was selected. Of these teachers, 11 were school teachers, 5 were university teachers, and 11 were language institute teachers.

The data were analyzed and 158 open codes were identified. These codes were categorized in the form of causal factors (individual, pedagogical, ecosystemic), contextual factors (family conditions, macro strategies of the education system, peer group and colleagues, requirements for achieving scientific and professional goals), intervening factors (the status of the society, resources and facilities, the interest in and understanding of the need for teaching/learning English reflected by educational and cultural authorities, the general attitude toward foreign languages), central phenomenon (English language teaching-learning process), strategies (the national and transnational approach to education, infrastructure development, creation of new insights into foreign languages), and consequences (realization of the expected goals of the education system, motivated and efficient human resources, any new language, familiarity with a new world). The proposed model of the process of teaching and learning English in the Iranian education system is hoped to provide researchers, English language teachers, and, most importantly, decision- and policy-makers with various strategies to improve the learning and teaching of English in the Iranian education system. The results of interviews with experts showed that the realization of an appropriate approach to teaching and learning English in the Iranian education system required complex conditions and equipment as well as coordination and communication between various stakeholders. The diverse needs and goals of different language learners in different age groups with different educational contexts, as well as the inadequate provision of appropriate conditions and facilities for teaching foreign languages in Iran, in which English is not treated as a second language, implies that the road ahead is bumpy. Finally, the complex social and political realities of Iran require comprehensive and extensive language planning, in which the concerns of English language experts and teachers are addressed.

Keywords: English language teaching, English language learning, Iranian education system, grounded theory, global language

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی